

## وصف نسخی چند

### عباس اقبال

در یادداشتهای مرحوم عباس اقبال که پاره‌ای از آنها بکتابخانه مرکزی دانشگاه رسیده وصفی از چند نسخه خطی بخط او و بسیاری از آنها هم با امضای خود او دیده شده که از رهگذر کتابشناسی و نسخه‌شناسی سودمند می‌باشد، بویژه آنکه بطرز فهرست‌نگاری آن مرحوم که خود از دانشمندان کشور ما بشمار است با خواندن این گفتار آشنایی حاصل می‌گردد.

چون میدانیم که آن مرحوم با تنی چند از دانشمندان دیگر ماموریت داشته‌اند که فهرستی برای کتابخانه سلطنتی بنویسند و خود او نیز در ذیل نام «ابومسلم نامه» شماره ۱۰۶۲ و جاهای دیگر تصریح دارد باید نسخه‌های موصوف در این فهرست از آن کتابخانه سلطنتی است. برای اینکه خوانندگان گرامی بنکاتی که آن مرحوم در مورد کتابشناسی آورده است آگاه گردند و این اثر علمی آن مرحوم از نظر کتابدوستان نهفته نماند بدستور دانشگاه تهران بچاپ این اوراق بی‌هیچ تغییری برداشته شده است.

محمدتقی دانش‌پژوه

(تذکره)

## آتشکده

(۶۲۲)

تألیف **طفلی بیک** آذر متوفی سال ۱۱۹۵ .

بقطع ۱۵×۲۶ سانتی متر، متن و حاشیه، ۱۲ سطر در متن و ۳۵ نیم سطر در حاشیه، بخط نستعلیق .

مکرر شماره ۶۲۱ (بآن شماره مراجعه شود).

نسخه بخط منصور توی سرکانی است که آنرا در سال ۱۲۳۱ در شوشتر نوشته .

(تاریخ)

## آثار احمدی

(۱۰۴۴)

تألیف **احمد بن تاج الدین حسن بن صیف الدین امیر ابادی** .

بقطع ۲۱×۳۲ سانتی متر، هر صفحه دارای ۱۹ سطر، بخط نستعلیق دارای یک سر لوح .

این کتاب «مشتمل است بر معظمت آثار نبوی و محتوی بر تحقیقات اخبار مصطفوی» و خاتمه‌ای دارد در احوال خلفای اربعه و ائمه اثنی عشری. شرح حال مؤلف و تاریخ تألیف کتاب او بدست نیامد ولی چون این کتاب تصریح مؤلف خلاصه مانندی است از روضة الاحباب امیر جمال الدین دشتکی شیرازی که در سال ۹۰۰ تألیف یافته مسلم میشود که مؤلف آن بعد از آن میزیسته و چون نسخه‌ای از این کتاب در کلکته هست که ۹۶۴ تاریخ کتابت دارد پس یقیناً کتاب آثار احمدی پیش از سال ۹۶۴ تألیف یافته (رجوع شود به تاریخ ادبیات فارسی تألیف استوری ص ۱۹۲) .

تاریخ کتابت این نسخه ۵ شهر صفر ۱۰۷۷ است .

[داستان]

## ابو مسلم نامه

(۱۰۶۲)

دارای ۳۶ صفحه، بقطع ۳۴×۱۲ سانتی متر، هر صفحه ۱۷ سطر، حاوی یک سر لوحه

وسیزده تصویر بخط نستعلیق بالنسبه خوش بدون تاریخ و نام کاتب ، ظاهراً از اواخر دوره صفویه .

ابتدای آن :

به بسم الله الرحمن الرحيم [کذا] ای دل زبان بگشا

که بسم الله الرحمن الرحيم است اول اسما [کذا]

بهر بنیاد کار خیر بسم الله گو اول

که بسم الله باشد نام ذات خالق یکتا

اما بعد، از رایان اخبار و ناقلان آثار از قصه و داستان صاحب الدعوة خاندان نایب شاه مردان و صاحب تبر گران ابو مسلم مروزی فازی حجازی روایت کند ابو طاهر بن حسین طرطوسی که در زمانی که یزید ... الخ .

نام مؤلف و راوی اصلی داستان و نام پدر و جدا و در چند جای دیگر این کتاب هم بشکل ابو طاهر بن موسی طرطوسی و ابو طاهر بن حسین بن علی بن موسی طرطوسی بمیان می آید (صفحات ۸۷ و ۱۵۱ و ۲۱۵).

نگارنده آنچه تفحص کرده ندانستم که این ابو طاهر طرطوسی راوی اصل داستان ابو مسلم مروزی کیست و در چه زمان میزیسته . امری که مسلم شدا نیست که هوی بهر حال قبل از سال ۷۲۴ یعنی پیش از تألیف کتاب تجارب السلف بوده چه هندو شاه مؤلف تجارب السلف کتاب او را در دست داشته و از آن دو فقره مطلب راجع با ابو مسلم نقل میکند ولی هندو شاه این مؤلف ابو مسلم نامه را فقط بهمان نسبت طرطوسی یاد نموده و از کنیه و نام و نام پدر و جدوی چیززی نگفته است (رجوع کنید بتجارب السلف ص ۸۴ و ۸۶ و مقدمه نگارنده بر آن کتاب ص یا) .

اما کتاب حاضر یعنی نسخه شماره ۱۰۶۲ کتابخانه سلطنتی روایتی است نسبت

جدید از کتاب ابو مسلم طرطوسی که آنرا با احتمال قریب بیقین در عصر صفوی بقصد خدمت بمذهب شیعه و نشر مقامات مجاهدان این آیین ساخته و عالم‌اعداً ابو مسلم مروزی را «نایب شاه مردان» و «کشنده خار جیان» و «نایب امام المتقین و یعسوب الدین» قرار داده است. انشاء نسبتی سخیف و سبک روایت آن شبیه بداستان‌نهایی است که نقالان برای عامه شفاهاً میگفته‌اند.

این نسخه بدو جلد تقسیم شده است و آخر آن چنین است:

«زوالی بری رسید امیر حوشته بمدد نصر می آید الحال بلشکر طاهر ملحق شد باتفاق متوجه ری شدند. تمام شد این کتاب بعون الملک الوهاب،  
ظاهراً نسخه ناقص است زیرا که قسمت موجود تمام زندگانی ابو مسلم را حاوی نیست. نسخه ناقص دیگری از همین کتاب را نگارنده سابقاً پیش مرحوم وحید دستگردی مدیر مجله ارمنان دیده بودم.

### [کلام] احسن الکبار (۱۶۴۰)

[آغاز]: سپاس و حمد آفرید گاری که منزله است از کل اشیاء.

یکگ سر لوح، ۱۷ سطر، نستعلیق ۱۸۰ × ۲۵.

[انجام]: فی شهر سنه اربع و سبعین و تسعمایه کتبه احقر العباد غیاث الدین بن علاء الدین.

### (اخلاق) اخلاق محسنی (۱۷۰۳)

تألیف ملاحسین کاشفی واعظ سبزواری (متوفی سال ۹۱۰).

ابتداء: «حضرت پادشاه علی الاطلاق عزت کلمته وجلت عظمته...»

بقطع ۱۳ × ۲۳ سانتی متر، هر صفحه دارای ۱۵ سطر، بخط نستعلیق.

کتاب اخلاق محسنی را ملاحسین کاشفی در سال ۹۰۰ بنام ابوالمحسن یکی از پسران سلطان حسین بایقرا که حکومت مرورا داشته تألیف نموده است و وجه تشبیه

آن باخلاق محسنی نیز همین است . این کتاب مکرر در ایران و خارج ایران بطبع رسیده و با انگلیسی نیز ترجمه شده است . برای احوال مؤلف آن رجوع شود بذیل شماره ۸۲۶ تحت عنوان «انوار سهیلی» .

این نسخه نام کاتب و تاریخ کتاب ندارد و ظاهراً از قرن دهم است .

## (لغت) اساس البلاغة (۱۲۶۵)

تألیف محمود بن همر زمخشری

بقطع ۱۷ × ۲۶ سانتیمتر، عدد اوراق ۳۸۱، هر صفحه دارای ۲۷ سطر، بخط نسخ .  
ابتداءً : «خیر منطوق امام کل کلام» .

مؤلف کتاب عالم بسیار مشهور و علامه چارالله ابو القاسم محمود بن همر زمخشری است که در سال ۴۶۸ در قصبه زمخشر از بلاد خوارزم قدیم تولد یافته و پس از تکمیل علوم ادبی و عربی و دینی در آن بلاد بیگداد و از آنجا بمکه رفته و مدتی در آنجا مجاور بوده و بهمین جهت است که او را چارالله لقب داده اند و فاته سال ۵۳۸ زمخشری از بزرگترین علمای لغت و ادب و حدیث و تفسیر است و بمذهب معتزله معتقد بوده . اهم تألیفات او عبارتست از همین اساس البلاغه و اطواق الذهب در مواعظ و خطب و انموذج در نحو و کتاب الجبال و الامکنه و المیاه در جغرافیا و لغت و کشف در تفسیر قرآن که آنرا در سال ۵۲۸ در مکه تألیف کرده و مفصل در نحو و مقدمه الادب در لغات عربی بفارسی و ربیع الابرار

اساس البلاغه فرهنگ لغات عربی است بترتیب تهجی ولی بیشتر زمخشری معانی مجازی و تعبیرات غیر مأنوس این کلمات را که از سایر لغویون فوت شده بوده در این کتاب ضبط کرده است و آن دو بار در دو جلد یکی بسال ۱۲۹۹ دیگری بسال ۱۳۲۷ در مصر بطبع رسیده است .

این نسخه تاریخ کتابت ندارد ولی نسخه‌ای نسبه قدیمی است و ظاهراً از قرن هشتم باشد . کاتب آن یحیی بن فخرالدین است .

(۱۹۳)

## انجمن خاقان

(تذکره)

تألیف فاضل خان گروس و سی راوی بقطع  $۱۸/۵ \times ۳۱/۵$  سانتی متر، هر صفحه دارای ۱۷ سطر، بخط نستعلیق .

ابتداء : «زیب انجمن خاقان که زینت بزم زمان باد» .

مؤلف کتاب یعنی محمد فاضل خان اصلا از طایفه ترکمانان بایندری است که در سال ۱۱۹۸ در گروس تولد یافته و پس از آنکه در سال ۱۲۱۴ پدرش فوت کرده بطهران آمده و بخدمت فتحعلیخان صبا ملک الشعراء پیوسته و ملک الشعراء او را بفتحعلی شاه معرفی کرده و فاضل خان در خدمت شاه بروایت اشعار منصوب و تخلص و لقب راوی یافته و بدستور شاه بتألیف انجمن خاقان که شرح حال شعرای عهد فتحعلی شاه است مشغول شده و آنرا بسال ۱۲۳۴ بانجام رسانده است .

وفات فاضل خان بسال ۱۲۵۲ اتفاق افتاده است .

انجمن خاقان مشتمل است بر چهار انجمن و یک خاتمه :

انجمن اول در شمه‌ای از احوال و آثار شهریار گردون اقتدار .

انجمن دوم در احوال و آثار شاهزادگان و خوانین .

انجمن سوم در احوال و آثار سی و نه تن از شعرای درباری .

انجمن چهارم در احوال و آثار یک صد و بیست تن از شعرای زمان بترتیب تهجی خاتمه در احوال و اشعار مؤلف .

این نسخه در سال ۱۲۸۶ حسب الامر علی قلی میرزا اعتضاد السلطنه وزیر علوم بخط

علی محمد بن محمد علی کاشانی تحریر شده است .

(۲۸۷۰)

## انجمن دانش

(داستان)

تألیف میرزا احمد وقار (۱۲۳۲-۱۲۹۸) .

ابتدا: «سیاس بی قیاس خداوندی را سز در جل سلطانه ...».

این کتاب که آنرا مرحوم وقار در سال ۱۲۸۱ در طهران بتتبع گلستان سعدی ساخته در يك مقدمه و سه مقاله و يك خاتمه است و آن بخط نسخ در سال ۱۲۸۹-۱۲۹۰ در طهران بطبع رسیده. (برای احوال مؤلف رجوع کنید بشماره ۱۷۸۸ تحت عنوان اهبة الكتاب)

(ادب) انوار الربيع في انواع البديع (۱۷۹۲)

تأليف سيد عليخان مدني شيرازي.

ابتدا: «حسن ابتدائی بد کرى حيرة الحرم ...».

مؤلف کتاب سيد صدر الدين هلي بن احمد بن محمد بن منصور حسيني از سادات دشتکی شیراز است که بعلت طول اقامت در مدنیه طیبه و تولد در آنجا بمدنی نیز شهرت یافته تولد او بسال ۱۰۵۲ در مدینه اتفاق افتاده و او مدنی نیز در مکّه میجاور بوده سپس به هندوستان رفته و در حیدرآباد دکن مقیم و از اعظم امرای آنجا شده و بعد از پادشاه شدن اورنگ زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۸) در دهلی بخدمت او رفته و از امرای مخصوص او و بلقب خانی ملقب گردیده است. قسمت آخر عمر سيد عليخان بعد از رفتن از هند بمکّه و آمدن بایران در شیراز گذشته و بالاخره هم بسال ۱۱۱۸ یا ۱۱۲۰ در همین شهر وفات کرده و در جنب شاه چراغ بخاک سپرده شده است.

سيد عليخان که مؤلفین عرب او را ابن منصور می نویسند بزبان عربی صاحب تألیفات عدیده است، اهم آنها یکی کتاب «ملافة العصر» است در محاسن شعرای هر شهر بوضع تیمه و دمیه و خریده در پنج قسم که آنرا سيد عليخان بسال ۱۰۸۲ تألیف کرده، دیگر شرح صحیفه سجادیه بنام سلطان حسین صفوی و طراز اللغة که فرهنگ بزریکی است در لغت عربی و کتاب الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة و همین کتاب انوار الربيع و شرح صمدیه و غیرها.

بزرگی است در لغت عربی و کتاب **الدرجات الرفیعة فی طبقات الشیعة** و همین  
**انوار الربیع** و شرح **صمدیه** و غیرها  
 انوار الربیع شرح قصیده بدیعیه است در ذکر اقسام صنایع بدیعیه و این کتاب  
 که در سال ۱۳۰۴ در هند و در همان سال در طهران بطبع رسیده شامل ۶۵۳ صنعت بدیعی  
 است که شارح در ضمن قصیده بدیعیه خود گنجانده بوده و آن قصیده را سید علیخان  
 در سال ۱۰۷۷ در مدح حضرت رسول ساخته است.

(داستان) **بهارستان** (۳۰۴۴)

تألیف **نورالدین عبدالرحمن جامی** (۱۸۱۷-۱۸۹۸).

**ابتدا:** چو مرغ امرزی بالی زآغاز نه از نیروی حمد آید بیرواز  
 کتابی است در حکایات و قصص و مختصری در احوال شعرا که جامی آنرا بتقلید  
 گلستان سعدی ساخته منقسم بهشت روضه و آنرا در سال ۸۹۲ بسلسطان حسین بایقرا  
 تقدیم داشته است و در ماده تاریخ آن خود میگوید:

بوقتی شد آخر که تاریخ هجرت شود زهدار هشت بروی فزایی  
 بهارستان با ترجمه آلمانی در سال ۱۸۴۶ در وینه و با ترجمه ترکی در سال ۱۲۵۲  
 در استانبول چاپ شده. متن تنهای آن یک بار بدون سال تاریخ در لکنه و بار دیگر در  
 طهران بطبع رسیده است.

(تاریخ) **تاریخ الفی** (۸۱۸)

تألیف احمد بن نصر الله تمّوی و دیگران.

**ابتدا:** «آغاز کتاب در بیان اموری که واقع شده در سال اول رحلت خاتم النبیین»  
 در سال ۹۹۳ اکبر پادشاه هند دستور داد که تاریخی عام از سال اول رحلت حضرت  
 رسول تا سال ۱۰۰۰ هجری بنام او تألیف کنند و چون بنامش که این تاریخ بسال ۱۰۰۰



منتهی شود آنرا **تاریخ الفی** نامیدند. قسمت مختصری از اوایل کتاب یعنی سی و پنج سال آنرا در عرض يك هفته **تقیب خان میرغیاث الدین علی** (متوفی سال ۱۰۲۳) و **میرفتح الله شیرازی** (متوفی سال ۹۹۷) و **حکیم همام گیلانی** (متوفی سال ۱۰۰۴) و **حکیم علی گیلانی** (متوفی سال ۱۰۱۸) و **حاجی ابراهیم سرهندی** (متوفی ۹۹۴) و **میرزا نظام الدین احمد و هید القادر بدائونی** (متوفی ۱۰۰۴ یا ۱۰۰۶) و دیگران با انجام رساندند. از سال سی و ششم بعد تألیف کتاب در عهدۀ **ملا احمد بن نصر الله دیبلی تَتّوی** گذاشته شد.

**ملا احمد تَتّوی** که اصلاً از مردم شهر **تته** از بلاد **سند** و پسر قاضی آن شهر است در جوانی بزمذهب تشیع گرائیده و برای تحصیل طب و علوم دینی به **مشهد** و **یزد** و **شیراز** آمده و در عهدشاه **طهماسب اول** بقروبین رفته و تا سال مرگ این پادشاه یعنی سنه ۹۸۴ در دربار او مقیم بوده سپس عازم **کر بلا** و **مکه** و **بیت المقدس** شده و از آنجا به **بندبر** گشته است و در ۹۸۹ بخدمت اکبر پادشاه هند راه یافته و تا سال ۹۹۶ که در **لاهور** بجرم تشیع بقتل رسیده بکار تألیف و تصنیف مشغول بوده و اوغیر از **تاریخ الفی** کتابی نیز در ترجمۀ **تاریخ الحکمای شهرزوری** دارد بنام **خلاصه الحیات**.

از **تاریخ الفی** از سال ۳۶ تا ایام سلطنت **غازانخان** تألیف تَتّوی است چون تَتّوی در سال ۹۹۶ بقتل رسید **چغچغریک آصف خان** (متوفی سال ۱۰۲۱) دنبال کار او را گرفت و ذیل وقایع را تا سنه ۹۹۷ رساند. در سال ۱۰۰۰ **عبدالقادر بدائونی** نوشته‌های سابقین را تجدید نظر نموده. **تاریخ الفی** بدو جلد منقسم است یکی قسمت **تالیفی احمد بن نصراله تَتّوی** و سابقین او، قسمت دوم قسمت **تالیفی آصف خان**. بعضی دیگر آنرا بعدد سنین تقسیم نموده ۵۰۰ سال اول را **یک جلد** و بقیه را **جلد دوم** محسوب داشته‌اند. در بعضی نسخ دیگر اصلاً تمیزی بین دو جلد کتاب نیست.

(تاریخ) تاریخ تبریز (۱۲۲۶۱)

[آغاز:] بسی نامه خواندم بسی رنج بردم ز گفتار تازی وهم پهلوانی

۲۳۰ ورق، [مورخ] ۲۰ شهر ذی قعدة ۱۰۳۲ .

۲۲ × ۳۴ ، ۱۷ سطر نسخ بعضی صفحات سفید، و بعضی بخط شکسته نستعلیق .

(تاریخ) تاریخ جدید (۱۳۳۲)

۲۶ × ۱۹ ، نستعلیق ۱۲ سطر (جلداول) .

[آغاز:] ترجمه جلد اول تاریخ جدید از تألیفات لامه فلوریه که حسب الامر ناصر الدین

شاه این بنده در گاه مار دروس داود خانف Martirosse David Khanoff مترجم باهتمام

و مواظبت جناب معتمد الملک کما کان و مطابق با اصل بلا اختلاف اورا از زبان فرانسه

بزبان فارسی در دارالترجمه مبارکه بترجمه رسانید و صورت اتمام یافت در پانزدهم

محرم ۱۲۸۷ .

تاسلطنت فیلیپ دوم تاسال ۱۵۹۸ .

(تاریخ) تاریخ جهانگشای (۳۰۸۱)

تألیف علاء الدین قطاملك جوینی (۶۲۳-۶۸۱) بقطع ۱۷ × ۲۶ سانتی متر،

هر صفحه دارای ۱۹ سطر، بخط نستعلیق .

اوتدا: «سپاس و ثننام عبودی را که واجب الوجود است» .

تاریخ جهانگشای جوینی چنانکه مخفی نیست تاریخ چنگیزخان واجداد و

اعقاب اوست از ابتدا تاسال ۶۵۶ یعنی سال فتح بغداد بدست هولا کوخان و آن کتاب

که در سال ۶۵۸ تألیف یافته در سه مجلد است و این سه جلد بهمت و تصحیح استاد علامه

آقای محمد قزوینی از سال ۱۹۱۲ تا ۱۹۳۷ در لیدن از بلاد هلند بطبع رسیده و از جلد

سوم آن يك نسخه عکسی نیز در سال ۱۹۳۱ بتوسط سردنيسن راس مستشرق انگلیسی

در لیدن منتشر شده است .

نسخه کتابخانه سلطنتی<sup>(۱)</sup> بر هر سه جلد مشتمل است و آخر آن باین عبارت ختم میشود :  
 «ذلک ذکرى للذاکرین و کذلک اللہ یفعل بالظالمین» که عبارت آخر جلد سوم  
 جهانگشای جوینی است .

این نسخه در ذی القعدة الحرام سال ۱۲۹۶ بتوسط محمود بن حاج محمد خویی بنام  
 مظفر الدین میرزا ولیعهد تحریر شده .

### [تاریخ] تاریخ جهانگشای (۱۱۱۶۶)

تألیف **عظاملك جوینی** (۶۲۳-۶۸۱) .

بقطع ۱۶ × ۶۴ سانتی متر ، هر صفحه دارای ۱۹ سطر، بخط نسخ خوش ، مکرر  
 شماره ۳۰۸۱ (بأن شماره مراجعه شود) .

نسخه تاریخ کتابت ندارد ولی نسخه بالنسبه مصحح مضبوطی است از اواخر قرن  
 هفتم یا اوایل هشتم ، نام کاتب نیز معلوم نیست .

### (تاریخ) تاریخ سیاقی (۱۰۱۶۸)

بقطع ۲۱ × ۳۵ سانتی متر عدد، اوراق ۱۰۷، هر صفحه دارای ۲۷ سطر، بخط نستعلیق  
 ابتدا : «تاریخ پادشاهان عجم و غیره که در ملک ایران سلطنت کرده اند» تا  
 سال ۱۲۵۰ .

بخط فضل الله الحسینی شیرازی در پنجشنبه ویم ربیع الثانی ۱۲۶۱ در طهران بخواهدش  
 حاجی محمدخان. این کتاب در تصرف فروغ اصفهانی بوده و قسمتی از غزلیات خود را در روی  
 سه صفحه اول نسخه که سفید بوده است یاد داشت کرده (غزلیات لکاتبه فروغ اصفهانی) :  
 بسر گشته خود باز فراز آمدای دل و جان هر دو از او برده و باز آمده ای

### (تاریخ) تاریخ گزیده (۱۱۱۶۳)

تألیف **محمد مستوفی قزوینی** .

۱- از اینجا هم برمیآید که این یادداشتها مربوط بکتابخانه سلطنتی است و پس  
 از ۱۹۳۷ نوشته شده است

ابتداء: «سپاس و ستایش پادشاهی را که ملک اوبی زوال هست».

مؤلف کتاب که نام او را اکثر مصنفین بعد حمد الله نوشته اند ظاهراً چنانکه از نسخه‌های قدیمی مؤلفات خود او برمی آید حمد نام داشته و حمد باصطلاح و بلهجه بعضی از ولایات ایران شکل دیگر محمد است و باین اسم بسیاری در تاریخ شهرت یافته اند. مؤلف که بسال ۶۸۰ در قزوین تولد یافته از خاندان قدیم مستوفیان قزوین است و خود گوید که نسب خاندان او بحر بن یزید ریاحی می پیوندد و او پسر تاج الدین ابی بکر مستوفی است و اجداد و بنی اعمام او اکثر در شغل استیفاء و مهمات دیگر دیوانی سر میکرده اند. خود حمد از ممشیان زیر دست خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر بوده و خواجه در سال ۷۱۱ پس از استقلال یافتن در وزارت مؤلف را مستوفی ابهر و زنجان و طارم نعوده و برادرش را بنیایب دیوان وزارت گماشته است.

بعد از قتل خواجه رشیدالدین حمد مستوفی در سلك ملازمان پسر خواجه یعنی غیاث الدین محمد وزیر در آمده است. از سال ۷۳۶ که سال قتل خواجه غیاث الدین است درست از احوال حمد مستوفی اطلاعی بدست نداریم. وفات او را صاحب کتاب شاهد صادق بسال ۷۶۶ می نویسد. حمد مستوفی از شعرا و منشیان مطلع زبان فارسی بوده و از جوانی شوقی مفرط بتحصیل اطلاعات تاریخی و جغرافیائی و مباحثه با فضلا داشته و از اوسه کتاب معتبر بفارسی باقیست یکی تاریخ گزیده که خلاصه تاریخ عمومی عالم است از بدو خلقت تا ایام وزارت خواجه غیاث الدین که آنرا مؤلف در سال ۷۳۰ بنام این وزیر دانش دوست تألیف کرده و آن در حقیقت منتخبی است از جامع التواریخ رشیدی با اطلاعاتی که حمد از کتب مورخین دیگر التقاط کرده و بر آخر آن دو فصل یکی در تاریخ علملا و ائمه و فضلا و شعرای عرب و عجم دیگری در تاریخ و جغرافیا و بزرگان شهر قزوین موطن خود افزوده و این دو فصل از مهمترین ابواب کتاب است.

دیگر از تألیفات حمد نظیر نامه است بشعر بوزن متقارب در ۷۵۰۰۰ بیت در تاریخ ایران بعد از اسلام و آن در حقیقت ذیل شاهنامه فردوسی است. سال انجام آن ۷۳۵ هجری است دیگر نزهة القلوب در جغرافیا که در ۷۴۰ تألیف شده.

تاریخ گزیده در سال ۱۹۱۰ به چاپ عکسی بتوسط مرحوم ادوارد براون درلیدن بطبع رسیده و خلاصه انگلیسی آن بانضمام فهرس کامل بتوسط همان مرحوم و استاد نیکلسن در سال ۱۹۱۳ درلندن چاپ شده. از تاریخ گزیده در اروپا خاورشناسان ابواب و فصول چندی را عین متن یا ترجمه‌هایی از آنها را بزبور طبع آراسته‌اند.

## (تاریخ) تاریخ نگارستان (۱۸۶۲)

تألیف قاضی احمد غفاری.

بقطع ۱۴ × ۲۵ سانتی متر، هر صفحه دارای ۱۹ سطر، بخط نستعلیق.

اولاً: ای طرازنده بهارستان وی نگارنده نگارستان

مؤلف کتاب قاضی احمد بن محمد غفاری قزوینی است از اعیان عالم معروف عبدالغفار قزوینی مؤلف کتاب الحاوی الصغیر و متوفی سال ۶۶۵. پدرش قاضی محمد در شهرری سمت قضا داشته و با تخلص و هجالی اشعاری میسروده و بسال ۹۳۳ فوت کرده است. قاضی احمد مؤلف تاریخ نگارستان مردی فاضل و منشی و شاعر و خوش خط و مورخ بوده و همواره در پیش امر او شاهزادگان صفوی محترم و معزز میزیسته و مدتی نیز در دستگاه سام میرزا مؤلف تحفه سامی مقیم بوده در آخر کار بعزم حج عازم مکه معظمه شده ولی در مراجعت در بندر دریبال سند سال ۹۷۵ فوت کرده است.

قاضی احمد غفاری در تاریخ مؤلف دو کتاب نفیس معتبر است یکی همین تاریخ نگارستان دیگری نسخ جهان آراه. تاریخ نگارستان در ۱۰ جلد است و در ۱۰۰۰ صفحه است.

تاریخ نگارستان مشتمل است بر ۳۳۰ حکایت تاریخی که مؤلف آنها را بترتیب وقوع آنها در زمان هر یک از سلسله‌های سلاطین عنوان کرده و آن کتاب که بشاه طهماسب اول تقدیم شده در سال ۹۵۹ با تمام رسیده است و نگارستان واقع ماده تاریخ انجام آن است چنانکه خود گوید:

در این روضه که از فرط نوادر  
پی تاریخ و نامش فکر کردم  
چو در واقع نگارستان چنین است  
از آن آمد: «نگارستان واقع»  
شود هر دم نگاری تازه لامع  
خرد گفتا که هست این نکته جامع

تاریخ نگارستان بترکی ترجمه شده و دوباریکی بسال ۱۸۲۹ میلادی دیگری  
بسال ۱۲۷۵ هجری قمری در بمبئی بچاپ رسیده. کاتب نسخه شهاب الدین علی وسال  
مقابله آن بانسخه دیگر ۱۰۲۱ است در مقصر کاشان در پنجشنبه ۲۵ جمادی الثانیه.

### (تاریخ) تاریخ و صاف (۱۰۱۵۴)

[آغاز: ] حمد و ستایش که انوار اخلاصش آفاق و انفس را.  
ج ۱، یک سر لوح، ۲۲ سطر، نستعلیق خوش، ۱۹ × ۳۲/۵، یوم الابعاء من شهر رجب  
المرجب ۱۲۵۷ [بخط] علی محمد لواسانی.

### (تاریخ) ترجمه تاریخ طبری (۸۷۳)

[آغاز: ] شکر و سپاس بی حد و قیاس آفریننده زمین و آسمان.  
۲۵ سطر، نستعلیق، ۲۶ × ۳۵/۶، بتاریخ ۸۲۱ کاتب ... محمود بن محمد.

### (تاریخ) ترجمه تاریخ طبری (۸۷۴)

ابتدا ناقص است قریب یک ورق ۱۷ × ۲۴، بخط نسخ، هر صفحه دارای ۲۷ سطر،  
فی تاریخ غره رجب المرجب سنه تسع و ثمانین و ثمانمائة، کاتب سعدالدین بن تاج الدین بن  
علی بن محمد بن نجیب الکاظمی.

### (تاریخ) ترجمه تاریخ یمینی (۹۷۵)

(آغاز: ) سزاوارترین چیزی که زبان گوینده بر آن مشعوف باشد.  
سر لوح جدید، ۱۵ سطر، شکسته نستعلیق، ۲۲ × ۱۴، ناقص.  
ذکر امیر صاحب الجیش ابوالمظفر نصر بن ناصر الدین (عتبی رساله ای در مرثیه او  
انشا کرده است در اصل کتاب مسطور است).

(تاریخ) ترجمه فتوح ابن اعثم

(۸۲۱)

مترجم محمد بن احمد مستوفی .

بقطع ۱۸×۲۷ سانتی متر، هر صفحه ۱۹ سطر، بخط نستعلیق .

ابتدا: « الحمد لله الملك القديم والمنان الكريم » .

اصل فتوح ابن اعثم بعربی بوده است ولی از متن عربی آن ظاهراً تا کنون نسخه‌ای دیده نشده . این کتاب که شرح فتوحات مسلمین است تا اواخر ایام یزید بن معاویه از جنبه تاریخی زیاد اعتبار ندارد و حیث داستانی آن غالبست بخصوص که مؤلف اصلی آن شیعی مذهب بوده و تعصب بر او غلبه داشته است .

مؤلف اصلی کتاب ابو محمد احمد بن اعثم اخباری از فضلالی نیمه دوم [قرن] سوم و اوایل قرن چهارم است . یاقوت در معجم الادباء (ج ۱ ص ۳۷۹) میگوید که او صاحب حدیث در روایت ضعیف میسرندند و او مؤلف کتاب المالیوف و کتاب الفتوح است که تا عهد رشید دامنۀ وقایع آن کشیده میشود و تاریخی دارد از ایام مأمون تا عهد مقتدر که ظاهراً ذیل کتاب الفتوح اوست . وفات او را بعضی از مؤلفین در حدود ۳۱۴ نوشته‌اند (بروکلن در تاریخ ادبیات عرب ج ۱ ص ۵۱۶) .

مترجم کتاب محمد بن احمد مستوفی هروی است که آنرا بتشویق یکی از وزرای خراسان که او را بالقاب مؤید الملك قوام الدولة والدين تاج الاسلام والمسلمين افتخارا گارخوارزم و خراسان یاد میکند تألیف کرده و آنرا در خراسان در سال ۵۹۶ بدستور آن وزیر شروع نموده اما پس از آنکه تا آخر خلافت ابو بکر را بانجام رسانده بوده محمد مستوفی وفات میکند و شخصی دیگر بنام محمد بن احمد بن ابی بکر کاتب هایو نبادی آن ترجمه را بانجام میرساند و این قسمت اخیر فقط ضمیمه بعضی از نسخ ترجمه فتوح ابن اعثم است (رجوع کنید بتاریخ ادبیات استوری صفحه ۲۰۸-۲۰۸) .

ترجمه فتوح ابن اعثم دو بار در بمبئی در سالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۰۵ بطبع رسیده .

نسخه کتابخانه گلستان<sup>(۱)</sup> تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد .

۱- این دلیل سوم است که این فهرست باید مربوط بکتابهای کتابخانه سلطنتی باشد.

(تذکره) تذکرة الشعراء (۳۱۲۶)

تألیف دولتشاه سمرقندی .

ابتدا : «تحمیدی که شاه باز بلندیرواز اندیشه ...» .

بقطع ۱۹×۲۹ سانتی متر ، هر صفحه دارای ۱۲ سطر ، بخط نستعلیق .

مؤلف کتاب یعنی امیر دولتشاه بن علاءالدوله بختیشاه فازی سمرقندی

اصلاً از امیرزادگان اسفراین خراسان بوده ولی از جوانی نظر بکمال میل بشعر و ادب از امارت دست برداشته و بکار جمع اشعار و مطالعه کتب پرداخته و کتاب تذکرة خود را که ظاهراً نام اصلی آن مجمع الشعراء است در تاریخ ۲۸ شوال ۸۹۲ بنام امیرعلیشیر نوائی تألیف نموده است .

تذکرة دولتشاه از يك مقدمه در ذکر شعرای عرب و هفت قسمت دیگر که هر قسمت را طبقه نامیده است مرکب است . خاتمه کتاب در ذکر شش تن از شعرائی است که در عهد تألیف کتاب هنوز در حیات بوده اند . این خاتمه متضمن تاریخ سلطنت سلطان حسین بایقرا است .

تذکرة دولتشاه يك بار در سال ۱۳۰۵ قمری بچاپ سنگی در بمبئی و بار دیگر بافهارس کامل بسال ۱۳۱۸ قمری = ۱۹۰۰ میلادی بهمت مرحوم ادوارد براون در لیدن بطبع رسیده است .

تاریخ تحریر ۱۰۰۴ ، کاتب فولاد محمد بن یارمحمد بخاری ، دريك ترنج پشت ورق اول چنین مرقوم است :

« بر خاطر خاطر اولوالالباب مخفی نماند که نوشته شد از برای کتابخانه مخدوم زاده ارجمند سلطان نیکوپسند سرو جویبار ولایت نهال چمن هدایت نتیجه اکابر کرام خواجه عبدی بن خواجه سعد بن محمد اسلام طال الله عمره الی یومالقیام »

(تذکره) تذکرة الشعراء (۶۶۵)

تألیف : دولتشاه سمرقندی



بقطع ۱۷×۲۵ سانتی متر، عدد اوراق ۲۷۲، هر صفحه دارای ۱۷ سطر، بخط نستعلیق دارای يك سرلوح.

مكرر شماره ۳۱۲۶ (برای احوال مؤلف و شرح کتاب رجوع شود باین شماره) تاریخ کتابت نسخه سال ۹۹۰ و کاتب آن نسبتی است که کتاب را در شهر وان در روز دوشنبه دوم شعبان بنام و برای مصطفی چلبی بانجام رسانده چنانکه خود در این قطعه گوید:

شکر خدا که از مدد بخت سازگار

این نسخه شد تمام چو حسن جمال یار

روز دوشنبه از مه شعبان شده دوروز

سالی که بود عشر همانا کم از هزار

در ملک وان بمدت يك اربعین نوشت

بیچاره نسبتی پریشان خاکسار

ز اندیشه سفر مترده تمام کرد

از بهر مصطفی چلبی معدن وقار

آن حاتمی که از اثر همش نماند

رسم حساب و قاعده محنت شمار

تا هست سبزه زار فلک را بقادش

خرم بود ز خواندن او چون گل از بهار

(عجائب المخلوقات) ترجمه عجائب المخلوقات (۱۲۳۰۹)

اصل کتاب از زکریا بن محمود قزوینی

بقطع ۱۸×۲۵ سانتی متر، هر صفحه دارای ۱۲ سطر، بخط نستعلیق دارای يك

سرلوح و ۳۱۳ صورت.

ابتداء: «یا مقرر الارض بانواع الحيوانات»؛

[حکایات]

## ترجمه الفرج بعد الشدة

(۳۰۲۵)

تالیف حسین بن اسعد دهستانی

بقطع ۱۴ × ۲۵ سانتی متر، عدد اوراق ۳۴۹، هر صفحه دارای ۲۱ سطر، بخط نستعلیق.  
**ابتدای این نسخه:** «سزاوارترین حمدی که زبان گوینده بدان مشعوف باشد»  
 مؤلف کتاب در مقدمه این ترجمه خود را حسین بن اسعد بن حسین دهستانی  
 مؤیدی میخوانده [در این نسخه بغلط چنین مذکور است: حسین بن سعد بن مؤیدی  
 الرهبانی (۹)] و کتاب خود را بنام عزالدین طاهر بن زنگی فریوهدی و وزیر  
 نگاشته و غیر از این دو اشاره هیچگونه اطلاعی در باب این ترجمه و مؤلف آن در منابع  
 موجوده بدست نیست.

عزالدین طاهر بن زنگی فریوهدی نایب امیر ارغون آقا در حکومت او بر خراسان  
 و مازندران (از ۶۴۱ تا ۶۵۴) بود و او پدر وجیه الدین زنگی است که در ایام طغیان  
 ارغونخان بر تگودار وزارت خراسان را داشت و بالاخره هم بفرمان این ایلخان بقتل رسید.  
 از احوال حسین بن اسعد دهستانی هیچ اطلاعی در دست نیست همینقدر از نام  
 مخدوم او عزالدین طاهر وزیر فی الجمله معین میشود که او این ترجمه فرج بعد از  
 شدت را در بین سنوات ۶۴۱ و ۶۵۴ بانجام رسانده و قریب سی سال قبل از اوسد عبدالدین  
 محمد عوفی نیز بهمین کار دست زده بود و ظاهراً دهستانی از ترجمه عوفی خبری  
 نداشته است.

ترجمه دهستانی بسیار روان و از نمونه های خوب انشاء فارسی است و خود او  
 چون شاعر هم بوده غالباً ابیات عربی اصل کتاب را بقاری نظمماً ترجمه کرده یا  
 بتناسب حکایت اشعاری از خود ساخته است.

اصل کتاب الفرج بعد الشدة و الضیقة چنانکه مخفی نیست تألیف قاضی ابوعلی  
 المحسن بن علی تنوخی متوفی سال ۳۸۴ است.

این نسخه بسال ۱۰۵۹ بدست سلام بن حبیب الله قوام کازرونی استنساخ شده.  
 ترجمه دهستانی بخط نسخ در سال ۱۳۲۹ قمری در مطبعه سنگی در بمبئی بطبع رسیده است.

(ادب) ترجمه نهج البلاغه (۲۰۶۷)

مترجم و شارح ملافتح الله کاشانی .

بقطع ۱۶×۲۹ سانتی متر ، هر صفحه دارای ۲۴ سطر .

ابتدا : «الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي» .

فتح الله بن شکر الله کاشانی از مشاهیر مفسرین و علمای عهدشاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴) و از شاگردان علی بن حسن زواری صاحب تفسیر معروفست و او علاوه بر ترجمه چند کتاب معروف از عربی به فارسی مثل ترجمه کتاب احتجاج طبرسی و نهج البلاغه صاحب تفسیر معروفی است بنام **نهج الصادقین** که بتفسیر ملافتح الله اشتهاار دارد ، وفات ملافتح الله بسال ۹۸۸ اتفاق افتاد .

نام ترجمه شرح مائندی که ملافتح الله از نهج البلاغه به فارسی کرده است « تفسیر الغافلین و تذکرة العارفين » است و آن دو بار در ۱۲۷۵ و ۱۳۰۵ در طهران چاپ شده . نسخه کتابخانه گلستان<sup>(۱)</sup> بخط عبدالرحیم بن نصراله بهبهانی و سال کتابت آن ۱۰۸۲ است .

(تاریخ مدینه) جذب القلوب الی دیارالمحبوب (۲۸۷۲)

تألیف عبدالحق دهلوی

بقطع ۱۶×۲۶ سانتی متر، عدد اوراق ۱۴۵، هر صفحه ۱۹ سطر، بخط نستعلیق .

ابتدا :

صد شکر که از تشنگی غم رستم

چون قطره بدریای کرم پیوستم

مؤلف کتاب عبدالحق بن سیف الدین ترک دهلوی بخاری است که بلقب

حقی مشهور است و او که یکی از محدثین و مؤلفین هندی است در سال ۹۵۸ در شهر

دهلی تولد یافته و در ۹۹۶ بعزم زیارت مکه بانجا عزیمت کرده و در عرض دو سال

۱- این هم دلیل چهارم براینکه این بادداشتها مربوط بکتابخانه سلطنتی است

در آنجا بتکمیل عرفان و جمع اخبار مشغول بوده و پس از مراجعت بهند بالآخره در سال ۱۰۵۲ در دهلی از دنیا رفته و در آنجا بخاک سپرده شده است. عبدالحق دهلوی مؤلف کتب بسیار است مثل *مدارج النبوة* در سیرت حضرت رسول و *اخبار الاخیار* در شرح حال عرفا و *ذکر الملوك یا تاریخ حقیقی* در تاریخ هند و همین *جذب القلوب* و غیرها.

*جذب القلوب* شرح جغرافیا و تاریخ مدینه است و مؤلف آنرا در سال ۹۹۸ در مدینه شروع و در ۱۰۰۱ در دهلی بانجام رسانده است و کتاب مزبور در سال ۱۸۴۷ در کلکته و در ۱۲۸۲ در لکنه و در ۱۸۹۳ در کاونپور بطبع رسیده است. نسخه کتابخانه گلستان (۱) سال تألیف و تاریخ کتابت ندارد ظاهراً از قرن یازدهم یا دوازدهم است.

(جنگ) **جنگ اشعار** (۶۳۵)

بقطع ۱۹ × ۲۸، هر صفحه ۱۵ سطر متن و ۲۹ [و] نیم سطر حاشیه، بخط نستعلیق، دارای چهار سوراخ و ۲۴ تصویر جدید.

ابتدا:

رحمی بده خدایا آن سنگدل جوان را  
یا طاقتی و صبری این پیر ناتوان را  
این جنگ مر کبست از قسمتی از غزلیات جامی و ترجیع بندهاتف و غزلیات سعدی و عاشق اصفهانی و نان و حلوای شیخ بهائی و لیلی و مجنون مکتبی.  
تاریخ کتابت سال ۱۲۳۷ و کاتب آن زین العابدین بن علی همدانی است.

(حکایات) **جوامع الحکایات و لوامع الروایات** (۸۸۸)

تألیف **سید الدین محمد عوفی**

ابتدا: «شکر و سیاس بی قیاس که مقاطع اوهام انسان»

«تثنا و حمد مبدعی را که از بدایت صباح وجود...»

بقطع  $۲۷/۵ \times ۴۸/۵$  سانتی متر ، عدد اوراق ۴۴۸ ، هر صفحه دارای ۳۰ سطر ،  
بخط نستعلیق .

مؤلف کتاب سدیدالدین محمد عوفی بخارائی است که در اواسط نیمه دوم مایه ششم هجری در بخارا تولد یافته و چون نسب اجدادش بعبدالرحمن بن عوف میرسیده خاندان ایشان بعوفی مشهور بوده اند . محمد عوفی ابتدای جوانی را در بخارا بتحصیل علوم ادبی و عربی و دینی گذرانده و تا سال ۵۹۷ در آن شهر بوده سپس بشهرهای دیگر ماوراءالنهر و خوارزم و خراسان و سیستان سفر کرده وبخدمت مشاهیر فضلاوشعرای آن بلاد رسیده و از ایشان کسب معلومات نموده و از بعضی نیز اجازه روایت حدیث ووعظ گرفته ضمناً پیش سلاطین و امرا محترم شده واز نعم ایشان بهره ور گردیده است . عوفی از سال ۵۹۷ تا ۶۱۷ که ایران را ترك گفته در شهر های نواحی فوق میگشته . در اوایل این دوره اندك مدتی را نیز در خدمت عثمان خان سلطان السلاطین (۶۰۰ - ۶۰۹) آخرین پادشاه خانیة سمرقند سمت ریاست دیوان انشاء اوراداشته واز آنجا در حدود سال ۶۰۰ بخراسان آمده و تا ۶۱۲ در آن بلاد و سیستان سفر میکرده سپس قبل از استیلای چنگیزیان بر بخارا بوطن خود برگشته و چون آوازه هجوم مغول بگوش او رسیده بوده از رامزنه و کابل خود را بسند رسانده و در پناه ناصرالدین قباچه (۶۰۲ - ۶۲۵) از ممالیک غوریه که بر آن حدود سلطنت میکرده قرار گرفته و از خواص وزیر او عین الملک اشعری گردیده است .

ناصرالدین قباچه را در سال ۶۲۵ شمس الدین التتمش از میان برداشت و خود مالك متصرفات او شد . عوفی نیز در دستگاہ این پادشاه تازه داخل گردید و بوزیر او نظام الملک محمد جنیدی تقرب جست و از این تاریخ در دهلی مقیم شد و عوفی تا حدود ۶۳۰ در حیات بوده لیکن از آن بعد احوال او روشن نیست .

محمد عوفی از سال ۶۱۷ که در هند اقامت گزیده بتألیف کتاب پرداخته واز او سه کتاب معتبر باقی است یکی لباب الالباب در طبقات شعرای فارسی زبان که بطبع رسیده و معروف است ، دیگر ترجمه فارسی کتاب الفرج بعد الشدة ، سوم کتاب بزرگ جوامع الحکایات ولوامع الروایات .

جوامع الحکایات کتاب معتبری است مشتمل بر يك عده حکایات ادبی و تاریخی و عبرت و قصه که عوفی آنها را از يك عده کتاب معتبر که شماره آنها قریب بصد است جمع آورده بضمیمه آنچه خود دیده یا شنیده بوده است. جوامع الحکایات را عوفی بنام ناصرالدین قباچه شروع بتالیف کرده لیکن چون او در ۶۲۵ رفته عوفی کتاب را پس از اتمام در حدود ۶۳۰ بنظام الملك جنیدی وزیر شمس الدین التتمش تقدیم نموده است.

جوامع الحکایات در چهار جلد است هر جلد دارای بیست و پنج باب و قریب دوهزار و یکصد و کسری حکایت دارد، انشاء آن روان و سلیس و از جهت اشتمال بر يك عده از حکایات مهم ادبی و تاریخی از کتب معتبره است.

جوامع الحکایات تا کنون بطبع نرسیده لیکن دکتر محمد نظام الدین دکنی در يك مقدمه نفیسی که بانگلیسی بر این کتاب نوشته خلاصه ای از ابواب و فصول و محتویات و منابع جوامع الحکایات را بدست داده و این مقدمه بسال ۱۹۲۹ در لندن بطبع رسیده است.

تاریخ کتابت روز دوشنبه هیجدهم شهر محرم الحرام سنه خمس و سبعین و الف هجری، نام کاتب معلوم نیست.

(۸۹۲)

حبیب السیر

[تاریخ]

[آغاز:] لطایف اخبار لئالی نثار انبیاء عالمی مقدار.

سر لوح، ۲۱ سطر، نستعلیق، ۲۲×۳۷، ج ۱، [مورخ] ۱۰۴۴ [نوشته]

محمد تقی بن حسین الکاتب الخاتون الاصفهانی.

(۹۰۰)

حبیب السیر

[تاریخ]

[آغاز:]

یارب بثنای خود سخن سازم کن

در گلشن حمد نغمه پردازم کن

سر لوح، ۲۲×۳۷، نسخ، ۲۹۰ سطر، (ج ۳)

[مورخ] رابع عشر شهر شوال من شهر سنة تسع وستين بعد الالف (بدون نام کاتب)  
[تاریخ] دره نادره (۱۰۲۳)

تالیف میرزا مهدیخان گوگب منشی العمالک استرآبادی .  
ابتدا : « دیباج دیباجه کتاب کتاب فصاحت قرین » .

برای احوال مؤلف آن رجوع کنید بشماره... تحت عنوان جهانگشای نادری (۱).  
دره نادره تاریخ افشاریه است تا سال ۱۱۶۲ یعنی تا قتل ابراهیم خان ظهیرالدوله برادر نادر. این کتاب که بوضع تاریخ و صاف با انشائی مصنوع و مغلط نگاشته شده چندین بار در هند و ایران بطبع رسیده و بعضی از فضایل هند بر مشکلات لغوی آن شرحی نیز نوشته‌اند.

(تاریخ) روضة الاحباب فی سیر النبی والال واصحاب (۱۱۷۱)

تالیف عطاء الله بن فضل الله معروف به جمال حسینی

بقطع ۱۷×۲۸ سانتی متر، هر صفحه ۱۷ سطر، بخط نسخ.

ابتدا : « الحمد لله الذی من علی المؤمنین » .

جمال الدین عطاء الله بن فضل الله حسینی از سادات دشتکی شیراز است که مدتی نیز در هرات میزیسته و در مدرسه سلطانیه و جامع آن شهر مدرس و وعظ مشغول بوده و در آخر عمر ایام را بعبادت و تألیف میگذرانده و بگفته صاحب حبیب السیر در وقت تألیف آن کتاب (ذی القعدة سال ۹۲۹) هنوز در حیات بوده است.

کتاب روضة الاحباب کتابی است بفارسی در سیره حضرت رسول و آل واصحاب او که آنرا جمال حسینی در سال ۹۰۰ بانجام رسانده و آن بسند مقصد منقسم است:

« مقصد اولی در سیرت حضرت رسالت مشتمل بر سه باب که باب سوم آن متضمن هشت فصل است . وقت کتابخانه مدرسه فیضیه قم

مقصد دومی در معرفت احوال صحابه در دو باب .

مقصد سومی در بیان احوال تابعین در سه باب .

۱- بر که « جهانگشای » در یادداشتها دیده نشده است

روضه الاحباب در سال ۱۲۹۷ در لکهنو بطبع رسیده و محمود مغنیساوی آنرا  
بتر کئی ترجمه کرده است. جمال حسینی غیر از روضه الاحباب کتاب دیگری نیز دارد  
بنام **تحفة الاحباب فی مناقب آل العباہ**  
نسخه روضه الاحباب کتابخانه گلستان<sup>(۱)</sup> تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد ولی  
ظاهراً از قرن نهم است.

[تاریخ] **روضه الصفا** (۹۱۶)

تألیف میرخو آند (متوفی سال ۹۰۳).  
اثر: «آرایش دیباچه مناقب و مآثر سلاطین رفیع مقدار» (جلد پنجم).  
بقطع ۱۸ × ۲۹ سانتی متر، هر صفحه دارای ۲۳ سطر، بخط نستعلیق، دارای يك  
سرلوح.

برای احوال مؤلف و شرح کتاب رجوع شود بشماره ۹۱۳<sup>(۲)</sup>.  
تاریخ کتابت شهر رجب المرجب سنه ۱۰۰۹ بدون نام کاتب.

[تاریخ] **روضه الصفا** (۹۲۲)

تألیف میرخو آند متوفی سال ۹۰۳.  
مکرر شماره ۹۱۶ (جلد پنجم).  
بقطع ۱۷ × ۲۷ سانتی متر، عدد اوراق ۲۶۵، هر صفحه دارای ۲۵ سطر، بخط  
نستعلیق، برای احوال مؤلف و شرح کتاب رجوع شود بشماره ۹۱۳<sup>(۲)</sup>.  
تاریخ کتابت ۱۰۹۳ در بخارا بخط عربشاه.

[تاریخ] **روضه الصفا** (۹۲۳)

آغاز: جواهر حمد و سپاس و لآلی شکر بقیاس (جلد ششم).  
۲۵ سطر، نستعلیق ۳۴ × ۲۳ (قرن یازدهم)، صفحه آخر جدید است.  
[تاریخ] **روضه الصفا** (۹۳۴)

هفت جلد روضه الصفا، ۳۳ سطر، نستعلیق خوش، ۲۴ × ۳۷، هفت سرلوح و تذهیب

۱- این هم دلیل ششم ۲- بر که مربوط بشماره ۹۱۳ در یادداشتها نبوده است



بنام شکر الله خان نوری ذی القعدة ۱۲۴۰، راقمه العبد الذلیل محمد اسمعیل شیرازی  
(تاریخ) **روضه الصفا** (۹۳۵)

هفت جلد روضه الصفا، دارای هفت سرلوح و تذهیب، ۳۵ سطر، نستعلیق،  
۳۷/۵ × ۲۴/۵، بتاریخ ۱۲۵۵، بدون نام کاتب.

(تاریخ) **ریاض الشهادة فی ذکر مصائب السادة** (۲۸۴۷)

تألیف محمد حسن قزوینی

جلد دوم، بقطع ۱۸ × ۲۸ سانتی متر، هر صفحه ۲۵ سطر، بخط نسخ.

**ابتدا:** «و به نستعین و علیه نتو کل فی کل حین».

محمد حسن بن حاج مصمم قزوینی، مؤلف این کتاب از شاگردان آقا  
محمد باقر بهبهانی عالم معروف (متوفی سال ۱۲۰۵) است که در دستگاه حسینعلی  
میرزا فرمانفرما والی فارس پسر سوم فتحعلیشاه (حکومتش بر فارس از ۱۲۱۴ تا ۱۲۵۰  
وفاتش بمرض وبا در ۱۲۵۱) میزیسته و ریاض الشهادة در سه جلد در سال ۱۲۲۷ بنام  
آن شاهزاده تألیف نموده است.

ریاض الشهادة در سال ۱۲۷۳ - ۱۲۷۴ در هند بطبع رسیده.

این نسخه کتابخانه گلستان<sup>(۱)</sup> جلد دوم کتابست و تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد.

(تذکره) **زینة المدایح** (۹۴۰)

تألیف میرزا محمد صادق و قایم نگارهای مروزی

**ابتدا:** «ای ذکر تو گلغروش بازار سخن ...».

برای شرح حال مؤلف آن رجوع شود بشماره های ۸۷۷ - ۸۸۱ تحت عنوان  
جهان آرای<sup>(۲)</sup>.

زینة المدایح مجموعه ایست از مدایحی که يك عده از شعرا از فتحعلیشاه  
گفته اند از بدو جلوس او تا سال هفتم سلطنتش (۱۲۱۲ - ۱۲۱۸)، این کتاب را  
همای مروزی بدستور فتحعلیشاه ترتیب داده و اسم زینة المدایح نیز از خود شاه است.

۱- این یکی دلیل هفتم است ۲- چنین بر گه ای در یادداشتها نبوده است.

زینة المدلیح بچهار بخش منقسم است باین ترتیب: **آوازش** در اشعار فتحعلیشاه، **پیراویه اول** در اشعار شعرای درباری، **پیراویه ثانی** در اشعار شعرای دیگر، **زیور** در شرح حال و اشعار مؤلف.

(داستان) **سراج المنیر** (۱۷۰۵)

تألیف محمد شریف کاشف شیرازی

بقطع ۱۴/۵ × ۲۵/۵ سانتی متر، هر صفحه دارای ۱۳ سطر، بخط نستعلیق .  
مکرر شماره ۱۷۰۴ ( برای وصف کتاب و احوال مؤلف آن رجوع شود باین شماره (۱) ).

نسخه مورخ است بسال ۱۲۵۱ و خاتمه ای دارد از کاتب بنام محمدمشاه قاجار ولی نام کاتب در آن مذکور نیست .

(سفرنامه) **سفرنامه خوارزم** (۰۰۰)

تألیف **امیرالشعراة رضاقلیخان هدایت** (۱۲۱۵ - ۱۲۸۸) .

ابتدا:

سر آغاز هر نامه یابد نگار کاغذ را بنام جهان داور کرده گار

مرحوم هدایت را در سال ۱۲۶۷ موقعیکه محمد امین خان خوارزمشاه هدایائی بطهران فرستاده بود مرحوم میرزا تقیخان امیر کبیر مأمور سفارت خوارزم و خیوه کرد و هدایت در سه شنبه ۵ جمادی الثانیه آن سال بهمرامی فرستاده خوارزمشاه بخوارزم رفت و در رجب سال بعد از آنجا مراجعت کرد موقعیکه امیر کبیر چند ماه بود از صدارت افتاده بود . این کتاب تفصیل گذارش سفر هدایت است و حاوی فواید جغرافیائی و تاریخی و ادبی زیاد است .

سفرنامه خوارزم در سال ۱۲۹۲ بحروف سربی نستعلیق بتوسط شفر Scheffer بر رئیس مدرسه السنه شرقیه پاریس در بولاق بطبع رسیده است .

۱- این برگه هم در یادداشتها دیده نشده است .

برای شرح احوال و تألیفات دیگر مؤلف رجوع شود بشمارهٔ ۵۴۷ تحت عنوان «مجمع الفصحاء».

(سفر نامه) سفر نامه ولیعهد بمرآغه (۱۱۱۸۵)

سفر نامه مظفر الدین میرزای ولیعهد است در سال ۱۳۰۵ بمرآغه دارای ۳۱ ورق کتاب و ۲۴ عکس که از مناظر بین راه و آثار تاریخی مرآغه و غیرها برداشته و بآن ملحق کرده اند هر صفحه دارای ۱۶ سطر است و بخط نستعلیق بقلم محمد رضا منشی در همین سال ۱۳۰۵ تحریر شده است.

[تاریخ] شرح حال ناصر الدین شاه (۱۱۶۸۷)

تألیف اسان الملك ملك المورخین

«بر حسب اشارهٔ سراسر بشارهٔ بندگان اعلیٰحضرت ... مظفر الدین شاه ... ملخص آثار و خلاصهٔ اخبار شهریار نامدار ناصر الدین شاه بضمیمهٔ اسامی فرزندان گرامی و نبایر و نتایج نامیش را ذکوراً و اناثاً تا این دم که سال بر ۱۳۱۶ هجری میگذرد کلیه ثبت و ضبط آرد و از این پس شرح جهاننابانی شاهنشاه شهید را»

۹ سطر، نستعلیق، ۲۲×۱۵، بدون نام کتاب، و [با یادداشت] «تاریخ ولادت ناصر الدین شاه در شب یکشنبه ششم شهر صفر هزار و دویست و چهل و هفت در قریهٔ کهمویه چهار فرسخی تبریز»

[نیز یادداشت] «مهد علیادختر امیر محمد قاسم خان بن سلیمانخان اعتضادالدوله قاجار قوآنلو ولایت عهد ۱۲۵۱»

بهمان تعداد زوجات و ابناء و بنات ناصر الدین شاه و مظفر الدین شاه و محمدعلی میرزا ختم میشود.

(ادب) شرح الحماسة (۱۳۸)

تألیف خطیب تبریزی، جلد اول

بقطع ۱۶×۲۵ سانتی متر، عدد اوراق ۱۷۸، هر صفحه دارای ۱۵ سطر، بخط

نسخ کهنه.

ابتدا: « حمد الله الذي لا يبلغ صفاته الوصفون » .

مؤلف کتاب یحیی بن علی ابوزکریا معروف بخطیب تبریزی از اجله علمای لغت و نحو است که بسال ۴۲۱ تولد یافته و از تبریز بقصد ملاقات ابوالعلاء معری شاعر معروف بمعرة النعمان شام رفته و سفری نیز بمصر کرده سپس بیغداد آمده و سمت کتابداری کتابخانه نظامیه بغداد را یافته و تا آخر عمر در آن شهر مانده و در همانجا نیز بسال ۵۰۲ بداردیگر شتافته است .

این کتاب شرح دیوان اشعار الحماسه است که آنهارا شاعر معروف ابو تمام طائی از گفته های شعرای معتبر عرب جمع آورده بوده و خطیب تبریزی آنهارا شرح نموده است . کتاب شرح الحماسه خطیب يك بار در آلمان و بار دیگر در چهار جلد در سال ۱۲۹۶ هجری قمری در بولاق بطبع رسیده است .

این نسخه کتابخانه گلستان<sup>(۱)</sup> جلد اول شرح الحماسه است و تاریخ کتاب و نام کاتب ندارد .

(ادب) شرح المقامات الحريرية (۱۸۳۷)

جلد اول تألیف احمد شریشی بخط نسخ کهنه .

مؤلف کتاب احمد بن عبدالمؤمن از نویسندگان بلیغ و از علمای نحو و لغت اندلس است که بسال ۴۵۷ در شریش Xerès تولد شده و مدتی در اشبیلیه Seville و بلنسیه Valence مقیم بوده و بممالک اسلامی شرق نیز سفر کرده و بسال ۶۱۹ در شریش دارفانی را وداع گفته است اصل مقامات چنانکه مخفی نیست از ابو محمد قاسم بن علی حریری بصری (۴۴۶ - ۵۱۶) است و شریشی آنرا شرحی مفصل کرده و این شرح مکرر در مصر بطبع رسیده .

(ادب) شرح المقامات الحريرية (۱۸۳۸)

جلد دوم تألیف احمد شریشی (۴۵۷ - ۶۱۹) .

بقطع ۱۶×۲۵ ، عدد اوراق ۲۷۵ ، هر صفحه دارای ۲۷ سطر ، بخط نسخ کهنه .

جلد اول کتاب در شماره قبل با مؤلف آن معرفی شده بآنجا رجوع شود.  
این جلد از شرح مقامه الخامسة و العشرين یعنی بعبارت « شتوت اقامت فی الشتاء » شروع میشود.

این نسخه تاریخ کتابت ندارد ولی مسلماً از قرن هفتم است و در پشت ورق اول آن سال ۸۸۹ تحت رقم یکی از مالکین دیده میشود.

[ادب] شرح الواحدي على المتنبي (۱۱۶)

[آغاز:] وقال يرثي حدثه (۴) لامه: الا لاري الاحداث حمداً ولا ذمّاً.

۱۷ سطر ، ۲۴ × ۱۷ نسخ.

[انجام:] و ذلك في شهور سنة خمس وثمانين وستماية للهلال (بدون نام كاتب)

(لغت) الصحاح في اللغة (۱۲۳۲)

تأليف اسماعيل بن حماد جوهری

مؤلف کتاب امام ابو نصر اسماعیل بن حماد جوهری از اهل فاراب ترکستان است که برای جمع و تحصیل لغت بحجاز و بلاد دیگر عرب مسافرت کرده و سالها در بادیه در میان قبایل مانده است سپس در نیشابور مقیم شده و پیش استادان فن در لغت و خط و کتابت سرآمدان گردیده و در ذکاء و علم مشارالیه بالبنان گشته است. در آخر عمر جوهری دچار اختلال حواس شد و در نیشابور بر بامی بالا رفت و دولنگه در مانند دو بال بر خود بست و بخیال پرواز خود را در فضا پرتاب کرد بر زمین افتاد و بسال ۳۹۳ جان سپرد.

کتاب صحاح که در عمر جوهری از سواد بییاض نیامده و بعد از او یکی از شاگردانش آنرا منتشر کرده و بهمین جهت اغلاطی در آن داخل شده از مشهورترین کتب لغت عربی است و جوهری آنرا بر ۲۸ باب و هر باب را سه ۲۸ فصل بعد از ترتیب حروف الفبا مرتب کرده ولی در این ترتیب رعایت آخر حروف را آنهم بر روش ابجد نموده است.

کتاب صحاح در سال ۱۲۷۰ در تبریز و در ۱۲۸۲ در بولاق و یک جزء از آنهم

در سال ۱۷۷۴ در اروپا بطبع رسیده و از آن اختصارات و تهذیبات چند دیگر آن ترتیب و بر آن شرح متعدده نوشته اند.

### [طبیعی] صواعق النظام (۲۶۵۷)

[آغاز:] حمد و سپاس معبودی را سزااست که مبدع ذواتست و مخترع موجودات... اما بعد این رساله ایست در علم ترکیب توپ و خمپاره و ترتیب گلوله و عراده و سایر آلات و ادوات حربیه - باشاره حاجی میرزا آقاسی - مقدمه و سی و دو باب، تاریخ تألیف و جمع آوری او اسطر رمضان ۱۲۵۴ - یادداشت‌های شخصی حاجی میرزا آقاسی. ۲۰ سطر، نستعلیق، ۲۲ × ۳۷، تاریخ اتمام یوم الاثنین هفدهم شهر ذی الحجه ۱۲۵۴.

### (تاریخ) ظفر نامه تیموری (۱۲۲۸۶)

تألیف مولانا شرف الدین علی یزدی متوفی سال ۸۵۸. دارای ۷۵۰ صفحه که از آن جمله صفحه اول و آخر سفید است و صفحات ۲ و ۳ و ۴ تذهیب و تزیین بدون هیچگونه کتابتی.

بقطع ۲۴ × ۳۷ سانتی متر، هر صفحه دارای ۱۹ سطر.

ابتدای آن که از صفحه ۵ شروع میشود چنین است:

این نامه که نام حق در او مسطورست

بحر یست که سر بسر در منشورست

حمداً کثیراً لمن توتی الملک من تشاء و تنزع الملک ممن تشاء و صلوة طيبة دائمة علی خاتم الانبیاء و سید الاولیاء و آله الاصفیاء و عترته البررة الاتقیاء.

بنام خدائی که از نام اوست

که ما را توانایی و گفت و گوست

کتاب ظفر نامه شرف الدین علی یزدی مشهورتر از آنست که بوصف آن احتیاجی باشد چه این کتاب که یکی از مهمترین منابع تاریخ صادرات اعمال امیر تیمور گورکانی است از همان ایام تألیف شهرتی بسزایافته و غالب مورخین بعد از شرف الدین

علی از آن استفاده‌ها کرده‌اند. نسخ آن نیز در دنیا فراوانست و بزبانهای فرانسه و انگلیسی نیز ترجمه شده و متن فارسی آن هم بین سنوات ۱۸۸۵ و ۱۸۸۸ در دو جلد در کلمکتته بطبع رسیده است.

ظفرنامه تیموری را شرف‌الدین علی یزدی در شیراز با امر ابوالفتح ابراهیم سلطان پسر شاهرخ بن امیر تیمور که از جانب پدر بر فارس از سال ۸۱۸ تا ۸۳۸ سال مرگ خود حکومت داشته نوشته است. تاریخ تألیف کتاب در خود ظفرنامه مسطور نیست لیکن بقول صاحب حبیب‌السیر (جزء سوم از جلد سوم صفحه ۱۴۸) عبارت است: **فی شیراز** که بحساب جمل با ۸۲۸ برابر است از تاریخ تألیف این کتاب حکایت میکند.

در ابتدای بعضی از نسخ ظفرنامه مقدمه بالنسبه مفصلی وجود دارد بنام **تاریخ جهانگیر** در ذکر نسب خوانین ترك و تاریخ جنگیزخان و اعقاب او که در ۸۲۲ یعنی شش سال قبل از اصل ظفرنامه تألیف شده است. نسخه کتابخانه سلطنتی<sup>(۱)</sup> این مقدمه را ندارد.

آخر نسخه:

بعدلش جهان یکسر آراسته  
ز کیهان رسوم بدی کاسته  
خلایق مرفه ز احسان او  
زمین و زمان تحت فرمان او

کتبه سلطان محمد نور و ذهبه میر عضد و صوره بهزاد ۹۳۵ ( باضافه تحقیقی در باب سال فوت بهزاد که در ورقه علییده دارد )

[تاریخ] **عالم آرای عباسی**

تألیف اسکندر بیک هنشی

ابتدا: «چون نشر محامد کبریای الهی که بیرون از دایره عقول...»

این هم دلیل نهم است.

مؤلف کتاب یعنی اسکندر بیک که در حدود ۹۶۸ تولد یافته ابتدا در شغل استیفا سر میکرده سپس از آن کار دست کشیده و بقرن انشاء پرداخته و در حدود ۹۹۲-۹۹۳ در سلاطین منشیان سلطان محمد خدابنده پدر شاه عباس کبیر در آمده و مدتی نیز در عداد سپاهیان و جنگ آوران معدود بوده تا آنکه در سال ۱۰۰۱ در عهد شاه عباس در سلاطین منشیان عظام آن پادشاه وارد گشته و بملازمت او مخصوص و سرافراز گردیده است.

در سال ۱۰۲۵ اسکندر بیک بتالیف تاریخ شاه عباس و اسلاف او پرداخته و عالم آرای عباسی را در دو صحیفه عنوان کرده است، صحیفه اول در ذکر نسب و اجداد و ظهور دولت و شرح وقایع ایام سلطنت سلاطین صفویه تا جلوس شاه عباس یعنی تا سال ۹۹۶ بر سبیل اجمالی که در همین سال ۱۰۲۵ بانجام رسیده.

صحیفه دوم شامل دو مقصد، مقصد اول در وقایع چهل و دو ساله سلطنت شاه عباس که بسال ۱۰۳۸ منتهی میگردد، مقصد دوم در وقایع پنج ساله اول سلطنت شاه صفی که بسال ۱۰۴۳ ختم میشود و ظاهراً در همین سال است که اسکندر بیک وفات یافته.

از عالم آراء صحیفه اول و مقصد اول از صحیفه دوم در سالهای ۱۳۱۳-۱۳۱۴ قمری بچاپ سنگی در طهران و مقصد دوم از صحیفه دوم بعنوان ذیل عالم آرای بسال ۱۳۱۷ شمسی در همین شهر بچاپ حروفی بطبع رسیده است.

(تاریخ) **عالم آرای عباسی** [۹۵۴]

ابتدا: پرده گشای در امید و بیم چون نشر محامد کبریای الهی که بیرون از دایره عقول... غرض از تسوید این مقالات آنست که اقل العباد اسکندر الشهبیر بالمنشی که در اوان نشاء جوانی باغواوی کوتاه خردان (جلد ۱).

یک سر لوح، ۲۵ سطر، نستعلیق، ۳۶ X ۲۳، بدون تاریخ و نام کاتب (قرن دوازدهم).



(تاریخ) **عالم آرای عباسی** (۹۶۸)

صحیفه دوم، تألیف امیرکبیر همنشی

بقطع ۱۴ × ۲۷/۵، هر صفحه دارای ۲۳ سطر، بخط نستعلیق، دارای یک

سرلوح.

اوتدأ: «عنوان صحیفه سلطنت و عالم آرای پادشاهان کامکار».

برای تفصیل کتاب و احوال مؤلف آن رجوع شود بشماره...

(تاریخ) **عالم آرای عباسی** (۹۷۰)

صحیفه اول بقطع ۲۹ × ۱۷، هر صفحه دارای ۲۹ سطر، بخط نستعلیق، دارای

یک سرلوحه، عدد اوراق ۷۶۹. (صحیفه اول)

اوتدأ: پرده گشای در امیدوبیم.

آخر: لهذا مأمول بعفو است تم بالخیر و السعادة فی التاريخ يوم الخميس ۲۶

شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۰۷۲.

(ادب) **العقد الفريد للملك السعيد** (۱۷۶۱)

تألیف ابن طلحه

بقطع ۱۷ × ۲۵ سانتی متر، هر صفحه دارای ۲۵ سطر، بخط نسخ.

اوتدأ: «الحمد لله حامی حوزه بلاد»

مؤلف این کتاب خود را در مقدمه شمس الدین ابو عبد الله محمد بن طلحه

معرفی میکند ولی صاحب معجم مطبوعات العربیه بنقل از ابن عماد صاحب شذرات

الذهب لقب او را کمال الدین و کنیه اش را ابوسالم نوشته. ابتدای تحصیل او در خراسان

بخصوص در نیشابور بوده و پس از مدتی سیاحت و رسیدن بخدمت اکابر و ملوک در

سال ۶۴۸ بوزارت الملك السعيد نجم الدین غازی بن ارتق (۶۳۷-۶۵۸) از ملوک ارتقیه

اردین رسیده ولی پس از دوروز از آن شغل استعفا کرده و بزهد و سفر پرداخته. تولدش

در ۵۸۲ و وفاتش در ۶۵۲ اتفاق افتاده است.

کتاب العقد الفريد که آنرا ابن طلحه بنام الملك السعيد مزبور، تأليف کرده  
کتابی است ادبی و اخلاقی و بچهار باب منقسم است :

باب اول در مهمات اخلاق و صفات .

باب دوم در سلطنت و ولایت .

باب سوم در شرايع و ديانات ،

باب چهارم در تکميل مطلوب .

این کتاب چندین بار در مصر بطبع رسیده از جمله در سالهای ۱۳۰۶ و ۱۳۱۰  
قمری . نسخه کتابخانه گلستان<sup>(۱)</sup> ناقص است .

این نسخه تاریخ ندارد ولی ظاهراً متعلق بقرن هفتم است در پشت ورق اول نوشته  
شده : « ملکه کاتبه يوسف بن محمد بن الصيداوی الحنبلی... »

(ادب) غرر الحکم (۲۷۸۵)

از هبة الورد بن محمد بن هبة الواحد اللمدی

آغاز : الحمد لله الذي هدانا لهذا بتوفيقه «

يك سر لوح، ۱۵ سطر، ۲۴ × ۱۴، ابراهیم بن حاجی عبدالجلیل شرانی فی بلدة رشت  
فی سادس عشرة شهر جمادى الاول فی شهر سنة سبع وثلاثين و الف من الهجرة .

(تاریخ) الفتح الوهبي علی تاریخ ابی نصر العتبی (۹۷۶)

تأليف احمد بن علي بن همر الغنيمي الدمشقي

بقطع ۱۷ × ۳۱ . هر صفحه دارای ۴۱ سطر، بخط نسخ، متن بامر کب سرخ و شرح

بامر کب سیاه .

ابتدا : « حمداً لمن احسن كل شيء... »

مؤلف کتاب یعنی شیخ احمد بن علی بن همر اصلاً طرابلسی است لیکن در سال

۱۰۸۹ در قریه منین از فرای دمشق تولد یافته و در آنجا تحصیل علوم شرعی و ادبی

نموده سپس در طلب علم بیلابد دیگر شام و دیار روم رفته بعد در دمشق بتدریس مشغول شده و در ۱۱۷۲ در همانجا متوفی و مدفون گردیده است. و او مرثی ادیب و مورخ و شاعر بوده و اشعاری نیز از وی باقیست.

کتاب الفتح الوهبی شرح کتاب معروف تاریخ یمینی تألیف ابوالنصر عبدالجبار عتیمی است در تاریخ یمین الدوله سلطان محمود و پدرش سبکتکین و معاصرین ایشان. کتاب الفتح الوهبی در سال ۱۲۸۶ در دو جلد در مصر بطبع رسیده است. در آخرین نسخه چنین آمده است:

« قال المصنف و كان اكمال تحريره لاربع خلون من ذى القعدة الحرام سنة سبع و اربعين و مائة و الف على يد جامع شمله و صارف نفايس الاوقات فى كشفه و حله احقر الخليفة بل لاشيىء فى الحقيقة احمد بن على العدوى الدمشقى الشهير بالمنيى غفر الله ذنوبه و ملاء بزالال الرضوان ذنوبه و فعل ذلك بوالديه و بجميع المسلمين اجمعين آمين ».

شاید از این عبارت بتوان یقین کرد که این نسخه اصل نسخه مؤلف و بخط دست خود اوست.

[لغت] فرهنگ جهانگیزی (۱۲۴۳)

تألیف حسین انجو، ۲۶ × ۱۴ سانتی متر، هر صفحه دارای ۲۷ سطر، بخط نستعلیق.

ابتدا: بنام انبندبخشایندة بخشایشگر آنکه بر لوح زبانتها حرف اول نام اوست الخ.

مؤلف کتاب جمال الدین حسین بن فخر الدین حسین انجو از سادات انجوی شیراز است که از وطن خود به هندوستان افتاده و در دستگاه جلال الدین اکبر راه یافته و پیش او معزز و محترم شده چنانکه اکبر در سال ۱۰۱۳ او را بدکن بدربار عادلشاه برای تزویج دختر او فرستاده است. جمال الدین حسین انجو در عهد جهانگیر مقامات نظامی و سیاسی نیز یافته چنانکه در سال ۱۰۲۷ بحکومت ولایت بهار و بلقب

عضدالدوله نایل آمده و در ۱۰۳۰ متقاعد شده و چند سال بعد از این تاریخ در اکره فوت کرده است.

جمال‌الدین حسین انجو کتاب فرهنگ جهانگیری را بدستور جلال‌الدین اکبر در سال ۱۰۰۵ شروع کرده ولی چون اتمام آن در سال ۱۰۱۷ در عهد جهانگیر واقع شده آنرا فرهنگ جهانگیری نامیده است. ماده تاریخ اتمام این فرهنگ این مصراع است:

« زهی فرهنگ نورالدین جهانگیر »

فرهنگ جهانگیری را مؤلف در سال ۱۰۳۲ تجدیدنظر کرده و نسخه دیگری از آنرا در این سال که اواخر عمر او بوده است تقدیم جهانگیر نموده است. فرهنگ جهانگیری دارای مقدمه است مشتمل بر دوازده آیین در باب زبان فارسی و لهجه‌ها و حروف معانی در این زبان و اصل کتاب منقسم است بیست و چهار باب بترتیب حروف تهجی ولی بحرف دوم. این کتاب خاتمه‌ای دارد متضمن پنج در شامل کنایات و لغات عربی و زندق و پازند و کلمات اجنبی.

فرهنگ جهانگیری در سال ۱۲۹۳ در لکهنو بچاپ سنگی بطبع رسیده. این نسخه از آخر قدری ناقص است و نام کاتب و سال کتابت ندارد.

(۱۱۱۴۷)

## فرهنگ جهانگیری

[انت]

تألیف جمال‌الدین حسین انجو

بقطع ۱۸×۲۶ سانتی‌متر، هر صفحه دارای ۱۹ سطر، بخط نستعلیق، دارای یک

سرلوح

مکرر شماره ۱۲۴۳ (برای احوال مؤلف و شرح کتاب رجوع شود باین

شماره).

تاریخ کتابت شهر ربیع‌الاول ۱۰۳۲ کاتب محمد مؤمن

(لغت) القاموس المحيط (۱۲۲۷)

تألیف مجدالدین محمد بن یعقوب فیروز آبادی

بقطع ۱۵ × ۲۹ سانتی متر، هر صفحه دارای ۲۱ سطر، دارای یک سر لوح، بخط نسخ .  
 اهداء: « الحمد لله منطلق البلغاء .. » .

مؤلف کتاب لغوی و عالم بسیار معروف ابوطاهر مجدالدین محمد بن یعقوب شافعی فیروز آبادی است که بسال ۷۲۹ در قریه کارزین فارس تولد یافته و عمر خود را بتحصیل ادب و لغت و مسافرت در شام و حجاز و مصر و روم گذرانده و مدتی نیز قاضی بومن بوده و بسال ۷۱۸ در همان دیار وفات کرده است عدد مصنفات فیروز آبادی بچهارصد بالغ است و از تمام آنها مشهورتر همین القاموس المحيط و القاموس الوسیط است که باختصار قاموس گفته میشود و آن مکرر در مصر و ایران و هند بطبع رسیده و بر آن شروح چند نوشته اند که از همه معروفتر تاج العروس تألیف مرتضی زبیدی است و بفارسی نیز ترجمه شده .

این نسخه کتابخانه گلستان<sup>(۱)</sup> فقط نصف اول کتاب است تا آخر لغت «السمع» و در ۱۱۰۶ استنساخ شده بخط یوسف علی، بن حاجی محمد کازرونی .

(ادب) کاشف النکات فی شرح الکلمات (۲۷۸۰)

در تفسیر چند کلمه حضرت امیر

[آغاز:] « الحمد لله الذی نور قلوب عباده بمصابیح المواعظ والنصایح . اما بعد فبقول احمد بن ابی الحسن علی بن ابراهیم . »

بنام سلطان حسین الصفوی ، دارای ترجمه فارسی بین السطور (نستعلیق) .  
 ۹ سطر، نسخ ۲۳ × ۱۳ ، بدون تاریخ و نام کاتب (ظاهراً از همان زمان تألیف) .

(ادب) الکامل فی اللغة (۲۹۳۱)

تألیف محمد بن یزید مبرد

وقف ۳۱ بیتانه مدرسه فیضیه قم

ابتداء: « الحمد لله حمداً كثيراً... »

مؤلف کتاب ابو العباس محمد بن یزید بصری مشهور به مبرد از مشاهیر علمای لغت و ادبیت است که بسال ۲۱۰ در بصره تولد یافته و در مقابل ثعلب که پیشوای علمای ادب کوفه بوده مبرد امام علمای بصره بشمار میرفته و بهمین علت هم مابین ایشان منافقت و مناقشت وجود داشته . بیشتر اقامت مبرد در بغداد بوده و بالاخره هم در همان شهر بسال ۲۸۵ فوت کرده است .

کتاب الکامل شاهکار مبرد است در لغت و اقسام ادب از شعر و نثر و مثل و موعظه و این کتاب يك بار از سال ۱۸۶۴ تا ۱۸۸۲ از طرف انجمن شرقی المان بدقت تمام در لپزیگک و چند بار هم در مصر و استانبول بطبع رسیده است .

[آغاز نسخه:] قال ابو عثمان سعید بن جابر حدثنا ابو الحسن علی الاخفش .

۲۴ × ۳۵ ، ۲۵ سطر ، نسخ با حواشی .

در دو ورق شرحی است منقول از عبدالله بن سلیمان بن وعب و شرحی منقول از دو کتاب الجمع المتناه فی اخبار اللغویین والنحاة و منقول از خط احمد بن عبدالقادر بن مکتوم بن احمد الکلینی ، قرن هشتم ، نسخه بسیار مصحح و مضبوط .

(جنگ) کَشْکُول و مطالعات فنی (۱۸۳۲)

تألیف شیخ بهاء الدین محمد عاملی (۹۵۳ - ۱۰۳۱) .

ابتداء: « وبعد فانی لما فرغت من تألیف کتابی المخلاة » .

بقطع ۱۴ × ۲۵ سانتی متر ۲۲۶ ورق ، هر صفحه که بشکل مشجر نوشته شده دارای عدد مختلف سطر است ، بخط شکسته نستعلیق ، دارای یک سر لوحه .

مؤلف کتاب یعنی شیخ بهاء الدین محمد بن حسین حارثی عاملی از آن مشهورتر است که احتیاج بمعرفی داشته باشد . شرح حال او در کتاب روضات الجنات ص ۵۲۲ و خلاصه الانرج ۳ صفحه ۴۴۰ و رساله مستقلی که آقای نفیسی در شرح حال او و تصنیفاتش نوشته اند مسطور است .

کَشْکُول کتابی است در روایات و حکم و آثار و اقوال و اشعار عربی و فارسی و

بر پنج مجلد منقسم است. این کتاب مشهور در سالهای ۱۲۶۶ و ۱۲۹۱ در طهران و در ۱۲۸۸ و ۱۳۲۹ در بولاق و در ۱۳۰۵ و ۱۳۰۲ و ۱۳۱۸ در قاهره بطبع رسیده ولی در چاپهای مصر قسمتهای فارسی آنرا انداخته اند.  
این نسخه سه مجلد اول کشکول است، نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد.

(جنگ) کشکول (۳۰۷۶)

[آغاز: الحمد لله (الواحد المعین) (المجلد الاول الى الخامس)]

[مورخ: بیست و چهارم شهر رجب المرجب ۱۰۵۴، بدون نام کاتب.]

۱۳ × ۲۳، ۲۸ سطر منحرف، نسخ.

(لغت) کنز اللغة (۱۲۴۱)

متن کنز اللغة حاشیه فرهنگ جهانگیری

آغاز ابتداء هر سخن آن خوبتر در هر مقام.

۲۴ سطر متن (نستعلیق) ۵۶ نیم سطر در حاشیه.

۲۳ × ۳۶ ناقص از آخر (قرن یازدهم).

[اخلاق] کنوز الودیعة من رموز الذریعة الی مکارم الشریعة (۲۷۶۸)

آغاز: « احسن کلامی که بذریعة انوار معانی آن قلوب ارباب تحقیق منور

شود، ۲۵ × ۱۶، نستعلیق، ۱۹ سطر، ربیع الاول ۱۰۶۴، شیخ محمد بن شمس الدین.

[در آن آمده: « پدرم علامه شمس الدین حسن ظافر » فصل اخلخل به الکتب و اوضح

العذر فیہ عما تعذر ایراده فی متون الفصول و الابواب، « لطایف حقایق منقول و معقول

و ظرایف دقایق فروع و اصول » « شکر و سپاس و بیقیاس که مقاطع او هام انسان از مطالع

آن نشان نهد و اعداد حمید بی حد که نهایت اولوالبصار از بدایت آن عاجز و قاصر آید

و اوجب الوجودی را سزد که چندین هزار انواع حیوان بی رویت و تفکر در حیز تصویر آورد،

[نیز: « اما بعد چنین گوید مؤلف این تألیف و مصنف، « که حکیم متشرع و فاضل

متقی متورع ابوالقاسم راغب قدس روحه و نور ضریحه در مطاوی کتاب الذریعه الی مکارم الشریعه در سلك تحریر و سمط تقریر آورده است و من بنده با وجود ترجل از صهوات مراکب علوم و تسفل در صف النعال محفل صدر نشینان « [کتاب] در ترجمه [سخنان] انبیا و حکما [و] حکم عرب و یونان و فرس، [است] .

(داستان) **گلستان و بوستان** (۴۸۵۸)

هر دو از شیخ ابو عبد الله مشرف بن صالح سعدی شیرازی متوفی سال ۶۹۱ بقطع ۱۶ × ۲۷ سانتی متر، عدد اوراق ۱۶۰، هر صفحه ۱۰ سطر متن که گلستان است و ۲۴ و نیم سطر که بوستان است، هر دو بخط نستعلیق، متن نستعلیق جلی و حاشیه نستعلیق خفی، دارای دوسر لوح .

ابتدای گلستان : « منت خدای را عزوجل » .

ابتدای بوستان : « بنام خداوند جان آفرین » .

نسخه از قرن دهم است نام کاتب و تاریخ کتابت محوشده است .

(داستان) **گلستان** (۳۳۸)

[از] سعدی، دارای هشت مجلس نقاشی، ۱۲ سطر، نستعلیق ۳۷ × ۲۳، ۱۲۳ ورق «بتاریخ روز دوشنبه پنجم شهر رمضان المبارک از سال هزار و سی و پنج در قصبه فرح بخش مالدیه صورت اختتام پذیرفت بدستیاری قلم شکسته رقم عاصی کثیر المعاصی کمترین بندهای خدا فقیر حقیر بی روی و ریا حکیم رکن الدین مسعود الشهیر بحکیم رگنا غفر الله ذنوبه و ستر الله عیوبه بحق محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین لکاتبه تجاوز الله عن معاصیه» .

کلمکم خطی چو آب روان سر بصفحه داد

گفتم بروی خاک نماند نشان من

چاچا ز رتبه قلم من سخن کنند

چاپی فتاده هر قلم استخوان من



(رجال و تذکره)

## مجالس المؤمنین

(۹۸۴)

تألیف سید نورالله مرعشی شوشتری، از مجلس ششم تا آخر

ابتداء: «نفحات دلگشای حمد و رشحات جانفزای ثنا...»

بقطع ۱۶×۲۷ سانتی متر، هر صفحه دارای ۲۳ سطر، بخط نسخ.

مجالس المؤمنین شرح حال عده‌ای از بزرگان و اعیان و شعرا و فضلا و سلاطین و ساداتی است که بعقیده مؤلف پیر و مذهب شیعه بوده‌اند، این کتاب منقسم بیک مقدمه بنام فاتحه است و دوازده مجلس مؤلف آن قاضی نورالله بن سید شریف حسینی از خاندان سادات مرعشی است که در شوشتر مقیم بوده‌اند.

قاضی نورالله در جوانی بهند افتاد و در لاهور ساکن شد و در آنجا در سال ۹۹۳ بتألیف کتاب مجالس المؤمنین مشغول گردید. در سال ۹۹۵ در عهد سلطنت اکبر بقضای شهر لاهور منصوب گشت. چون کتاب مجالس المؤمنین و سایر کتب تعصب آمیز قاضی نورالله انتشار یافت اهل سنت لاهور بکینه اوبرخواستند و جهانگیر رابر آن داشتند که اورا در سال ۱۰۱۹ بقتل رسانید. تألیفات دیگر قاضی نورالله از همه مشهورتر احقاق الحق و مصائب النواصب و الصور المهرقة و النشرة الكاملة و غیرهاست. مجالس المؤمنین را قاضی نورالله در سال ۹۹۳ شروع کرده و در ۲۳ ذی الحجه ۱۰۱۰ بانتهای رسانده است. این کتاب در سال ۱۲۶۸ در طهران بطبع رسیده.

این نسخه فقط مشتمل است بر ثلث اخیر کتاب یعنی از مجلس ششم تا آخر و ابتدای آن این است: «در ذکر جمعی از صوفیان صافی که نزد سالکان مسالک طریقت». این نسخه تاریخ کتاب و نام کاتب ندارد ظاهراً تحریر آن در قرن یازدهم صورت گرفته.

(رجال و تذکره)

## مجالس المؤمنین

(۹۸۶)

[آغاز: نقود خزاین و سیاس و جواهره عادن ستایش.]

۲۶ سطر، نستعلیق، ۲۰×۳۶، [در پایان آمده: «کتابه العبد عین علی تبریزی»]

(بدون تاریخ کتابت).

(رجال و تذکره) **مجالس المؤمنین** (۹۹۵)

[آغاز:] نفعات دلگشای حمد و رشحات جانفزای ثنا  
دارای هفت سرلوح، ۲۵ سطر، نستعلیق ۳۷×۲۴.  
[نویسنده:] ابن سید مراد محمد زمان الکاتب الحسینی المشهدی، [مورخ:] ثمان  
وعشرین من شهر ذی الحجه سنة ثمان وستین بعد الالف.

(تذکره) **مجمع الفصحاء** (۵۴۷)

تألیف امیر الشعراء رضا قلیخان هدایت طبرستانی  
بقطع ۲۲×۳۵ سانتی متر، هر صفحه دارای ۲۹ سطر، بخط نستعلیق.  
ابتداء: هرآنکه نبود راهش بمجمع الفصحاء... الخ سپاس شگرف مرخالقی را  
شاید.

مؤلف کتاب رضا قلیخان فرزند محمد هادی از اهل چهارده کلاته هزار  
جریب مازندران است که بسال ۱۲۱۵ در طهران تولد یافته و درعهد ولیعهدی عباس  
میرزا و محمد شاه در دستگاه دربار داخل بوده سپس ازطرف محمد شاه بسرپرستی  
پسرش عباس میرزا ملک آرای معین و بلقب الله پاشی ملقب گردیده و درسال ۱۲۶۷  
ازطرف امیر کبیر میرزا تقیخان بسفارت مخصوص بجانب خوارزم و خیوه مأمور گردیده  
و اندکی پس از قتل امیر بطهران برگشته و چندی نیز بنظامت و ریاست مدرسه  
دارالفنون و مشاغل دیگر مشغول بوده است. وفات او بسال ۱۲۸۸ در طهران اتفاق  
افتاده.

مؤلفات عمده رضا قلیخان الله پاشی که در شعر هدایت تخلص میکرده بنظم  
عبارتست از دیوان قصاید و فولیات و شش مثنوی بنام صفت ضروریه باسامی  
انوار الولاية و بگتاش نامه و بحر الحقایق و انیس العاشقین و خرم بهشت  
و هدایت نامه.

آثار نثری او عبارتست از سفارتنامه خوارزم و ذیل روضه الصفا بنام

روضة الصفای ناصری و فهرست التواریخ و ریاض العارفین و فرهنگ انجمن  
آرای ناصری و مدارج البلاغه و غیرها .

مجمع الفصحاء کتاب بزرگ‌گیت در شرح حال شعرای فارسی زبان و انتخاب  
بزرگی از گفته‌های ایشان و آن در دو جلد است .

جلد اول در اشعار سلاطین قدیم و جدید و شرح حال شعرای متقدمین تا عصر  
صفویه .

جلد دوم در شرح حال و آثار شعرای متأخرین و معاصرین . مجمع الفصحاء  
بسال ۱۲۹۵ در طهران بچاپ رسیده .

این نسخه جلد اول کتابست تا آخر احوال نظامی گنجوی بخط عبدالله بن  
رضاقلی بتاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۸۵ .

(تذکره) مجمع الفصحاء (۵۴۸)

تألیف امیر الشعراء رضاقلیخان هدایت ظهیر ستانی (۱۲۱۵ - ۱۲۸۸) .  
برای احوال مؤلف آن رجوع شود بشماره ۵۴۷ .

(سفر نامه) مخزن الوقایع (۱۱۳۵)

تألیف حسین بن عبدالله سرابی  
بقطع ۱۷ × ۲۵ سانتی متر ، عدد اوراق ۲۷۶ ، هر صفحه دارای ۱۵ سطر ، بخط  
نستعلیق .

ابتداء : « الحمد لله الاول قبل الانشاء » .

چنین گوید مؤلف کتاب : « کمترین چاکر در گاه عالمیان پناه حسین بن  
عبدالله السرابی الاصل الثبریزی المسکنی همراه مقرب الخاقان محمودخان میر پنجه  
قرا گوزلو ( یعنی ناصر الملک ) از سفر بطرز بورغ مراجعت بدار الخلافه نموده وابسته  
بدستگاه وزارت خارجه دولت ابد مدت و در خدمت جناب جلالتماب فخامت و مناعت  
اکتساب مقرب الخاقان معتمد السلطان میرزا سعیدخان مؤتمن الملک وزیر دول خارجه

بود و باره با منصب منشی گری سفارت کبری مفتخر گردیده در خدمت جناب معظم‌الیه (یعنی فرخ خان امین‌الملک کاشانی) مأمور سفر خیریت اثر فرنگستان شد. این سفر فرخ خان امین‌الملک که بعدها امین‌الدوله لقب یافت بدستور میرزا آقاخان صدراعظم نوری بود در ضمن محاصره هرات بدست سپاهیان ایران (هرات از رمضان ۱۲۷۲ تا ۲۵ صفر ۱۲۷۳ در محاصره بود) برای رفع نقاری که بین او و سفیر انگلیس در طهران پیش آمده بود.

فرخ خان امین‌الملک پس از آنکه در استانبول موفق نشد که بتوسط سفیر انگلیس در آنجا اختلاف بین میرزا آقاخان و انگلیس را حل کند و در این ضمن خبر فتح هرات بدست سلطان مراد میرزا احسام‌السلطنه نیز باورسید و معلوم شد که انگلیسها بیوشهر لشکر پیاده کرده‌اند عازم پاریس شد. عاقبت پس از شکست یافتن سپاه ایران در خوزستان و فارس فرخ خان بوساطت نایب‌تون سوم در پاریس بتاريخ هفتم ربیع ۱۲۷۳ با انگلیس معاهده ای بست و افغانستان بضمیمه هرات از آن تاریخ مستقل شد.

کتاب مخزن الوقایع دو جلد است :

جلد اول در بیان وقایع و گذارش حالات و محاورات و مکالمات امین‌الملک با سلاطین و رجال دول فرنگستان.

جلد دوم در شرح اداره امور و ترتیب کارهای دولتی و ملتی فرانسه و انتظام اوضاع عموم ممالک اروپا.

نسخه کتابخانه گلستان<sup>(۱)</sup> تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد.

(۱۲۵۶)

المزهر

(لغت)

تألیف جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی  
ابتداء: « الحمد لله خالق الالسن واللغات ».

مؤلف کتاب عالم بسیار معروف جلال‌الدین ابوالفضل عبدالرحمن بن کمال‌الدین است که اصلاً از شهر السیوط از بلاد مصر بوده و در سال ۸۴۹ در قاهره تولد یافته و در

کلیه علوم عربی و ادبی و دینی کمال استادی را داشته و در جمیع این رشته‌ها تألیفات کثیره دارد و عده مؤلفات او از کتاب بزرگ و کوچک و رساله از پانصد متجاوز است. قسمتی از عمر او بمسافرت در بلاد شام و حجاز و یمن و هند و مغرب گذشته و در قسمتی از عمر خود نیز قاضی و مقتدی بوده است. وفات سیوطی بسال ۹۱۱ در قاهره اتفاق افتاده. مزره اللغه کتابی است در کلیه مسائل مربوط بلغت عرب از حیث اسناد و لفظ و معنی و لطائف متعلق بلغت و کتبی که در این خصوص تألیف شده باز کثروا لغت و لغویون معروف.

این کتاب يك بار در دو جلد در سال ۱۲۸۲ در بولاق و بار دیگر در مصر بسال ۱۳۰۵ بطبع رسیده است.

(تاریخ) مطلع السعدین و مجمع البحرین (۹۷۸)

تألیف کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶-۸۸۷) جلد دوم.

ابتدا: فاتحه کلام حمد و ثنای ملک عالمی باید.

بقطع ۲۴ × ۳۷ سانتی متر، هر صفحه دارای ۲۷ سطر، بخط نستعلیق، بتاریخ جمعه ربیع الآخر ۱۰۲۴، بخط محمد یوسف بن عبدالخالق الحسینی (برای احوال این کتاب و مؤلف آن رجوع شود بشماره ۹۸۱).

(تاریخ) مطلع السعدین و مجمع البحرین (۹۸۱)

تألیف کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی

ابتدا: حسن مطلع انوار در افتتاح مقال و لطف مظهر اختیار...

مؤلف کتاب کمال الدین عبدالرزاق پسر مولانا جلال الدین اسحاق سمرقندی است که در ۸۱۶ در هرات متولد شده و در ۸۸۷ نیز در همین شهر مرده است. پدرش در عهد سلطنت شاهرخ سمت قضا و امامت در اردوی آن پادشاه را داشت و خود کمال الدین عبدالرزاق هم در تاریخ ۸۴۱ موفعیکه سنش به بیست و پنج رسیده بود بحضور شاهرخ معرفی شد. در سال ۸۴۵ شاهرخ او را با هیئتی به هندوستان فرستاده و عبدالرزاق سمرقندی

که در ۸۴۸ از این سفر بر گشته تفصیل سفر خود را در جلد دوم مطلع السعدین یادداشت کرده است.

در سال ۸۵۰ یعنی همان سالیکه در آن شاهرخ بدزد حیات گفت این پادشاه او را بسفارت بگیلان فرستاد پس از مراجعت همواره در دستگاه فرزندان شاهرخ میزیست تا آنکه ابوسعید او را در تاریخ ۸۶۷ شیخ خانقاه شاهرخی در هرات قرار داد و عبدالرزاق در این حال بود تا آنکه در ۸۸۷ در این شهر مرد. مطلع السعدین و مجمع البحرین کتاب تاریخ بالنسبه مفصلی است از تیموریان از سال ۷۰۴ تا ۸۷۵ یعنی از تاریخ تولد ابوسعید چنگیزی تا دو سال بعد از فوت ابوسعید تیموری و وجه تسمیه آن بمطلع السعدین نیز ظاهراً همین است این کتاب که کمال الدین سمرقندی آنرا در محرم سال ۸۸۰ با تنها رسانده بدو دفتر یا دو جلد منقسم است.

دفتر اول از تولد ابوسعید چنگیزی تا مرگ تیمور و جلوس خلیل سلطان در سمرقند (یعنی از ۷۰۴ تا ۸۰۷).

دفتر دوم از جلوس شاهرخ در هرات تا جلوس ثانوی سلطان نحسین بایقر (از ۸۰۷ تا ۸۷۵) از مطلع السعدین تا کون فقط یک جزء قسمت اول از دفتر دوم تا آخر سال ۸۱۳ بتوسط محمد شفیع در لاهور بطبع رسیده لیکن در اروپا و هند استخر اجاتی چند بی ترجمه یا با ترجمه انتشار یافته است.

(تاریخ) مطلع السعدین و مجمع البحرین (۱۰۷۱)

تألیف کمال الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶ - ۸۸۷).

جلد دوم (مکرر شماره ۹۷۸).

بقطع ۱۶ × ۲۵ سانتی متر، هر صفحه دارای ۱۵ سطر، نستعلیق خوش، دارای یک سر لوح،

رقم آخر آن: علی ید الفقییر الحقییر عبدالرزاق بن اسحاق یوم الخمیس السابع و

العشرین من محرم الحرام ...

سال تاریخ کتابت مخو شده و نسخه ظاهراً [متعلق] بخود مؤلف است.

برای احوال این کتاب و مؤلف آن رجوع شود به شماره ۹۸۱

(تاریخ) **المعجم فی آثار ملوک العجم** (۱۰۰۵)

یعنی کتاب تاریخ معجم مشهور بفارسی

تألیف شرف الدین فضل الله حسینی قزوینی

ابتدا « ان احق ما يفتح به الكلام ... »

بقطع ۱۸ × ۲۹، هر صفحه دارای ۱۴ سطر، بخط نستعلیق عالی.

ورق ۹ و ۲ الف مقدمه ایست از کاتب نسخه یعنی آقا فتحعلی شیرازی که این

نسخه را نوشته و تقدیم محمد شاه قاجار نموده، ورق ۲ ب و ۳ الف حاوی نام و القاب محمد شاه است با تذهیب و بین سطور کتاب همه جا طلا کاری است.

تاریخ معجم کتابی است در تاریخ ملوک قدیم ایران از کیومرث تا آخر سلسله

ساسانی با انشائی مصنوع و مغلق که بقصد هنر نمائی نوشته شده و آن نه حاوی مطالب تاریخی معتبری است و نه نمونه خوبی است از انشا فارسی.

مؤلف آن شرف الدین فضل الله حسینی قزوینی متخلص بشرف دردستگاه و وزیرای

ایرانی ایلخانان و مدتی نیز در خدمت اتابک نصره الدین احمد لر (۶۹۵-۷۳۳) میزیسته

و بیشتر اشعار او در مدح خواجه غیاث الدین محمد رشیدی و اتابک نصره الدین مذکور

است و بنام همین اتابک است که کتاب تاریخ معجم را تألیف نموده. وفات او در حدود

۷۴۰ اتفاق افتاده است.

این نسخه تاریخ کتابت ندارد ولی کاتب آن یعنی آقا فتحعلی شیرازی از مشاهیر

کتاب نستعلیق عهد قاجاریه است که در شعر سجعاب تخلص میکرده و در سال ۱۲۶۹

در شیراز بدرود حیات گفته و در امامزاده شاه چراغ مدفون شده است.

(ادب) **مفتاح العلوم** (۲۸۴۱)

تألیف سراج الدین ابو یعقوب یوسف بن ابی بکر سگسکی

ابتدا « احق كلام أن تلهج به الالسنه »

سراج الدین ابویعقوب یوسف بن ابی بکر محمد سکاکی یکی از مشاهیر علمای ادب و علم معانی و بیان و بلاغت است که در سال ۵۵۵ در خوارزم تولد یافته و در دستگاه سلطان محمد خوارزمشاه عزیز و محترم میزیسته و بعد از برافتادن دولت خوارزمشاهیان بدست مغول در پیش جغتای مکرم شده و تا آخر عمر در ماوراءالنهر و خوارزم سر میکرده و او با وجود مهارت کامل در ادب گویا بنیرنگ و طلسم و سحر و جادو نیز معتقد بوده و بهمین علت حکایات غریب زیاد از او نقل کرده اند.

وفات سکاکی بسال ۶۲۶ در خوارزم اتفاق افتاده .

مفتاح العلوم سکاکی کتاب مشهوریست در علوم ادبیه جامع سه قسم :

قسم اول در علم صرف .

قسم ثانی در نحو .

قسم ثالث در دو علم معانی و بیان و فروع این علوم و این کتاب را فضلالی بعد از سکاکی مکرر تلخیص و شرح کرده اند .

مفتاح العلوم سکاکی دوبار در سالهای ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ در مصر بطبع رسیده است .

(تاریخ) **ناسخ التواریخ** **کامات فنی** (۱۰۱۶)

تألیف **محمد تقی خان لسان الملك** **صیهر کاشانی**

مؤلف کتاب محمد تقی خان کاشانی است که در شعر صیهر تخلص میکرده و بعدها بلقب **لسان الملك** ملقب گردیده و او که بسال ۱۲۱۶ متولد شده در بدایت حال از کاشان بطهران پیش فتحعلیخان ملک الشعرای صبا همشهری خود آمده و صبا او را بانشاء کتابی بنشر واداشته بشرط آنکه در آن از اشعار صبا استشهاد کند اما صبا بزودی بسال ۱۲۳۸ مرد و صیهر بکاشان برگشت و از خیال نوشتن کتابی که صبا باو پیشنهاد کرده بود منصرف شد . در سال ۱۲۵۰ یعنی در سال اول سلطنت محمد شاه قاجار صیهر از طرف این پادشاه بسمت مداحی خاص مفتخر گردید و بعدها مستوفی و منشی دیوان شد . در همین اوان محمد حسینخان عمادلیب پسر مر حوم صبا او را بتألیف کتابی واداشت



و سپهر در سال ۱۲۵۱ کتاب **براهین المعجم** را در قافیه بنام محمد شاه تألیف نمود سپس از طرف محمد شاه بتألیف تاریخ عامی مأموریت یافت و ناصرالدین شاه هم که در سال ۱۲۷۲ با ولقب لسان‌الملک بخشید او را در این کار تأیید نمود و سپهر ناسخ‌التواریخ را بانجام رساند.

ناسخ‌التواریخ تاریخ عام عالم است از بدو خلقت تا سال ۱۲۶۷ با ذیلی که دنباله وقایع را تا سنه ۱۲۷۳ رسانده است و در ۱۴ جلد مرتب شده و بغیر از جلد قاجاریه آن بقیه هیچگونه اعتبار تاریخی ندارد و فوات سپهر بسال ۱۲۹۷ در طهران اتفاق افتاده. ناسخ‌التواریخ دوبار در طهران و یک بار هم در بمبئی تمام اجزاء یا بعضی از مجلدات آن بچاپ رسیده است.

(جغرافیا) **نزهة القلوب** (۱۰۰۸)

تألیف **محمد مستوفی قزوینی** (۶۸۰ - ۷۶۶).

ابتداءً: «چون واهب مواهب بی علت علت کلمتمه»

نزهة القلوب کتابی است در جغرافیا دارای مقدمه‌ای در باب انسان و حیوانات و نباتات و جمادات و افلاک که در سال ۷۴۰ تألیف شده. این کتاب در سال ۱۳۱۱ هجری بچاپ سنگی در بمبئی و قسم جغرافیائی آن در سال ۱۹۱۵ در لیدن بطبع رسیده است.

برای احوال مؤلف آن رجوع کنید بشماره ۱۱۶۳ تحت عنوان «تاریخ گزیده».

و در وقت چاپ آن در تهران «فیشیه قسم»

(جغرافیا) **نزهة القلوب** (۱۰۱۰)

آغاز: سپاس مر خداوندی را که بمعرفت خود بینا گردانید.

یک سر لوح و تذهیب دو ورق اول، ۱۵ سطر، نستعلیق، ۱۳×۲۳، بدون تاریخ و نام

کاتب (قرن یازدهم).

## نفحات الانس من حضرات القدس (تذکره)

تألیف نورالدین عبدالرحمن جامی (۸۱۷-۸۹۸).

المؤید: « الحمد لله الذی جعل مرائی قلوب اولیائه ... »

نفحات الانس جامی چنانکه معلوم است شرح حال عرفا و متصوفه است و آن چنانکه جامی در مقدمه کتاب مزبور گوید بر اساس کتاب طبقات الصوفیه تألیف محمد بن حسین سلمی نیشابوری متوفی سال ۴۱۲ بنا شده . طبقات سلمی را شیخ الاسلام عبدالله بن محمد انصاری هروی متوفی سال ۴۸۱ یعنی خواجه عبدالله انصاری معروف پیرهری در نسخه‌ای بزبان هراتی بسط و شرح داده و تکمیل کرده بود و بهمین زبان بر سر منبر بر شنوندگان و شاگردان خود املا میکرده . جامی چون نسخه خواجه عبدالله را دیگر کمتر کسی میفهمیده در سال ۸۸۱ بزبان فارسی معمولی بر گردانده و در سال ۸۸۳ با افزودن بسیاری مطالب از جمله ترجمه احوال عرفای بعد از خواجه عبدالله آنرا با انجام رسانده است . نفحات الانس مشتمل بر یک مقدمه و ۵۶۷ ترجمه حال است بر این کتاب یکی از شاگردان جامی بنام عبدالغفور لاری شرحی در حل مشکلات اعلام و اشارات آن نوشته است که بعضی از نسخ نفحات ضمیمه است .

متن نفحات را اول بار در سال ۱۸۵۹ ناسولیز Nassau lees در کلکته با شرح حالی از جامی و فهرست اعلام بطبع رسانده و بعد از آن نیز در هند بطبع رسیده است .

## نفحات الانس (تذکره) (۱۱۰۶۶)

مقدمه کاتب : « حمد و سپاس بیرون از حد و قیاس » ، بخط نستعلیق (سه ورق)

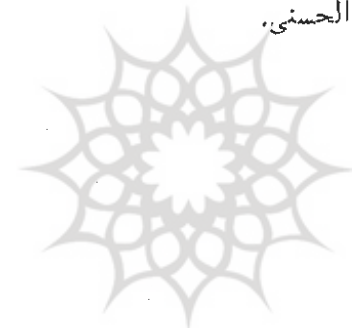
بنام محمود میرزا پسر فتحعلیشاه از عبداللطیف لاریجانی .

۲۱×۱۲ ، ۲۳ سطر ، ۴۹۴ صفحه ، بخط نسخ خوش (از ورق ۴ شروع میشود)

مقدمه کتاب: «الحمد لله الذي جعل مرآة قلوب اوليائه مجالاً لجمال وجهه الكريم»  
دارای حواشی بسیار بخط نستعلیق خوش.

کتاب اصل نفحات که در صفحه ۴۹۴ تمام میشود ضیاء الدین محمد الادمی القزوینی  
بتاریخ ۹۹۰.

ضمیمه: تیمناً بذكر الملك الاعلى و حمد الله تبارك و تعالی (در احوال جامی)،  
نام آن تکلمه نفحات، ۳۸ صفحه، بخط نستعلیق خوش  
فی رابع عشرين شهر جمیدى الثانى سنة تسعين و تسعمائة (در حاشیه)  
تمت الرسالة فى شهر ذى الحجة سنة اثنى و تسعين و تسعمائة من الهجرة النبوية  
على يد عبد الضعيف عماد الحسنی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی